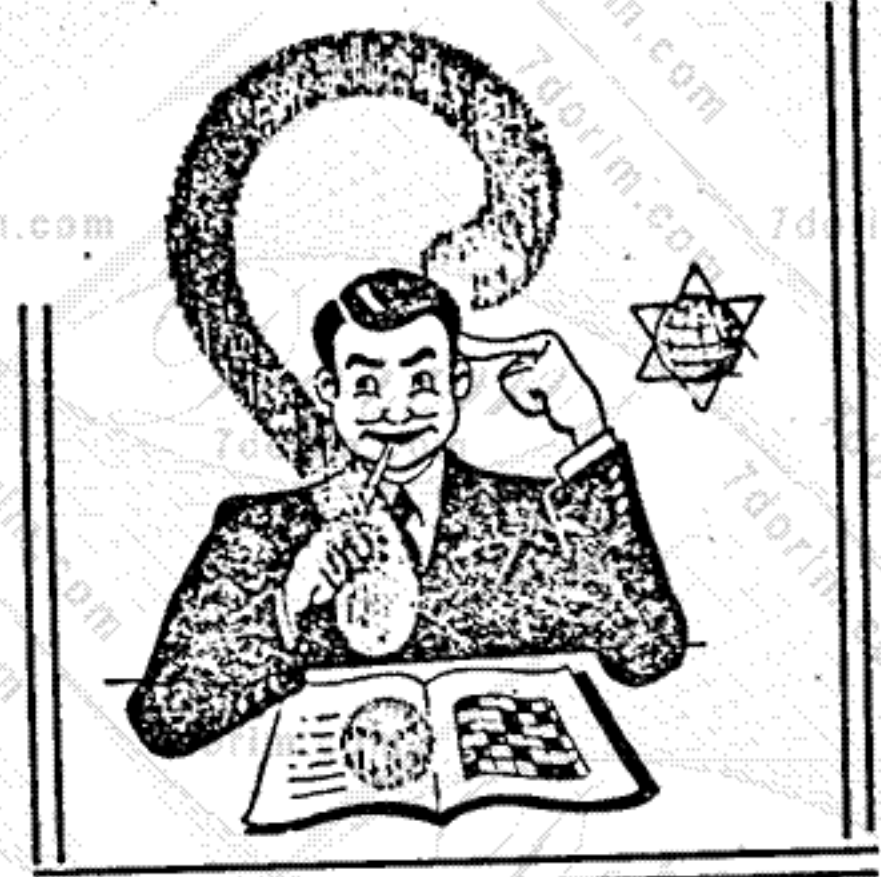


ما ابصر از ۱۰۰۰ ان که  
هم نراسن

ملح کننده پوست خرسوزان



شنبه ۱۰ تموز  
۵۷۰۶  
ماه ریال  
قسمت  
۴۳

# عالمی

نشانی دفتر  
تهران  
خیابان سیه مقابل پستخانه  
عنوان تلگرافی  
«هاعولام»

# جسارت و جسارت

جمله مصور-جواب با یکریال تبر باید همراه باشد به چهار نفر از شرکت کنندگان هر یک ده قسمت عالم یهود جایزه داده میشود (مدت قبول پاسخ دو ماه)

نوبهاران بود و طرف دشتها  
این گذشت و فصل تابستان رسید  
شد خزان و فصل تابستان گذشت  
بس تعجب کردم و حیران شدم  
گر تو دانستی و فهمیدی که چیست  
بدونراز خل کنندگان بحکم قرعه ده قسمت عالم یهود داده میشود

نتیجه مسابقه مرد مجوس قسمت ۳۷  
پاسخ: « علت اینکه مرد محکوم زندانی در مدت یکماه در زندان نمرده است آنست که مرد محکوم از شیر عیال خود در مدت یکماه استفاده نموده و از مرگ رهایی یافته است »  
اشخاصیکه جواب صحیح داده اند

از تهران دوشیزه نورانیه تهرانی، بانو عزیزه بوستانی آقایان  
ع . چرخچیان ، خ . شطوط - ر . افتم - س . روشنی خ . میطاحی -  
ح . روبنی - ه . شریفی ، گلشن گلشنی .

شهرستانها آقایان : ف . حکاکیان - ص . کرمانی - خ .  
گدولیم - ا . گبای زاده - ی . گبای زاده - ع . لیلی - ن . نور افشان -  
ر . خلیل - خ . نجاتی - ر . رحیمی - ا . نسیمی ، ا . ابراهیمیان - ی .  
رفیع زاده - ا . متوسل - ه . عطری - ف . شموئیلان .

برندگان از تهران حبیب الله روبنی و از شهرستانها یوحنا گبائی  
زاده ( اصفهان ) ، میاشند .

پاسخ شعر مصور قسمت ۳۸  
شب تار است و بار در خواب  
من بامید رخس بیتاب  
پاسخ دهندگان از تهران : بانو عزیزه بوستانی ، دوشیزه ناهید  
طویبا ، مهین برلاوی ، و آقایان جهانگیر ، پورادی ، زحید نهروای ،  
داود حناساب ، نجات الله شموئیل ، ایرج بحدادی پور ، معیر هارونیان حقانی  
دردشتی ، منوچهر بیطار ، یزدییا جواهری ، افراتیم یهودائی ، ایر زردو  
اسحق کرندیان .

از شهرستانها - دوشیزه فرخ لقا کهوری ، نذ - ظریف و آقایان  
داود شرافت خواه ، یحزقل زروبالی ، یوسیان ، پرویز استوار ربانی  
برندگان بحکم قرعه از تهران ( بانو ) دوشیزه مهین برلاوی  
از شهرستانها فرخ لقا کهوری ( کرمانشاه )

پاسخ مسابقه تاجر و محافظ قسمت ۳۸  
« اورا بجرم خوابیدن در شب بیرون کرد »

حل کنندگان از تهران - دوشیزه آمنت امتن ، آقایان یزدییا  
جواهری ، اسحق کرندیان ، ا . یوسیان ، منجم خلیل لطف الله ناقی ،  
داود حناساب ، سیون خداداد زاده یوسف حوریم ، سالار تیرایی ، هوشنگ  
ابرامی ، کفش نادر ، فرج الله جاوید ، ی . اسحق زاده حبیب الله متحده  
ربیع سعیدی ، حبیب الله روبنی ، شکر الله دانشور ، فرج الله ، نجات الله  
دانشور یوسفی و - دردشتی

از شهرستانها دوشیزه ذ ظریف و آقایان امیر هوشنگ کهن ،  
ف - ن - دوستدار  
برندگان بحکم قرعه دوشیزه آمنت امتن از تهران و ف - ن -  
دوستدار از یابل میاشند .

## مژده به برادران آبادانی

باطلاع عموم برادران دینی میرساند که بتازگی رستورانی  
بنام « رستوران کاشر » واقع در آبادان خیابان داد گستری  
مفتوح شده .

در این کافه انواع خوراک و انواع مشروب حاضر و برای رفاه  
برادران دینی آبادان در همه گونه خدمت حاضر است در ضمن  
اطمینان میدهم که کافه نامبرده بهداشت را نیز کاملاً مراعات  
میکند . ( موشی هنی )

مژده بدوستان زبان عبرت  
معلم خصوصی برای تدریس زبان و معلومات عبری حاضر است  
خواستاران روزهای پنج شنبه عصر بدفتر عالم یهود مراجعه فرمایند

آگهی  
بمناسبت فوت ناگهانی شادروان مار کو کهن که قلب کلیه ما  
را جریحه دار ساخته بدینوسیله بیازماندگان آن مرحوم خصوصاً  
مادام کهن و موسیو کهن تسلیت عرض مینمائیم  
جمعیت اسرائیل یزد

آقایان متمکنین و خیر خواهان اسرائیل ایران  
برای اتمام ساختمان زایشگاه کمک کنید - و جوهر نذر شده خودتان  
را به بانک ملی بازار حساب شماره ۳۲۶۰۰ و یا بانک شاهی مرکز حساب  
شماره ۱۹۰۲۰ یردازید و رسید وجوه پرداخت خودتان را به آقای خلیل  
دردشتی صندوقدار کانون کار سازی فرماید و نیز صحیها در محل  
فملی درمانگاه کنیسیای مرحوم عزرا یعقوب دفتر وصول اطانات نزد آقای  
دکتر مطلوب مدیر درمانگاه باز است و جوهر نذر شده را به آنجا نیز میتوانید  
بیردازید .

شرکت سهامی چاپ



صیبا  
لو بطکین

رجوع شود  
به صفحه ۷۱۰

## (صدیالو بطکین)

صیبا از سران انقلابیون شورشی و یکی از فرماندهان نیروی دفاع ملی یهود ورشو میباشد. در همان روزهای سخت تصرف لهستان وقتی فرستادگان یشو باو میرسند پیشنهاد فرار بارص اسرائیل را مینمایند ولی او حاضر فرار نمیشود و میگوید خون من رنگین تر از دیگران نیست امید تا آخرین لحظه دفاع کرد.

فرستادگان هرچه اصرار میکنند بی فایده میماند فقط تقاضا مینمایند که نامه بر هیجان او را بعنوان وصیت رای یشو ببرند.

پس از چندی خبر فوت او در دنیا منتشر میشود اغلب محافل و مجالس تذکر و یاد بودی از او منعقد مینمایند تا اینکه در این اواخر روزی سر از ارض اسرائیل در میآورد.

هنگام ورود او بارص اسرائیل شادیهایی مینمایند و جشنهای میگیرند. در اواسط یا نزدیکی بن جلسه نمایندگان «هقیبوتس همشود» که در کیبوتس یگور با حضور هزاران جمعیت که در چادرهایی در دامنه کوه کرمل زده بودند مدت هشت ساعت راجع بدفاع ورشو صحبت نمود.

استماع این صحبتها بر اندام هزاران مستمع که در داخل و خارج چادر بودند آرزو و نشاط بخشید.

این صحبت کاملترین شرح اتفاقات یهودیان لهستانی و دسته انقلابیون حالوم چنگجوی گتوی ورشو بود:



صیبا و بطکین هنگام سخنرانی در هیبوتس همشود در سر لوحه بزرگی که در مرکز چادر نصب کرده بودند جمله زیر با خط درشت نوشته شده بود.

«ما یوسان یهودی شجاعت ذاتی خود را از دست نداده اند» و این نمونه ای از صحبتهای آتشین رعب آور صیبا بود.

دوازده سال بود آرزوی این ملاقات را در سر میپروراندم. اما در این ملاقات بیاد هزاران و ملیونها یهودیان از بین رفته میاتم که شادی را برای من مشکل میکند.

انهدام و نابودی ما واضح و آشکار بود و این نیستی چند سال داوم یافت و از اطراف آن غبار خرابی - مرگ - آثار دیگری معلوم نبود.

بخوبی میتوان گفت که هیچ راه امیدی وجود نداشت. فقط یک موضوع بود که ما را در راه حیات و ادامه زندگی تقویت مینمود و آن ارض اسرائیل و یشو و نهضت کارگری و کیبوتس و کانون ملی بود.

شبهه ای از بیانات صیبا و بطکین در سازمان مجمع کارگران یهودی شرح حال ما در میدان چنگ کار مشکلی است. ولی این ملاقات مرا

## آخرین اخبار

### اعتراض بفرمانده کل قوای فلسطین

« هارابهاراشی اوزیل » درباره دستگیری « فیش من » در روز شبات نسبت بفرمانده کل قوای فلسطین اعتراض نموده است.

**سبیل تلگراف تعرض بانگلدتان**  
در این چند روزه تلگرافهای زیادی از کلیه جهان مبنی بر اظهار همدردی نسبت بیهودیان فلسطین اعتراض نسبت بدولت انگلستان نگارنده شده است.

**امریکا مخارج مهاجرت صد هزار یهودی میدهد:**  
ترومن در اظهارات خود بیان نمود که برای مهاجرت صد هزار یهودی بفرمانده اقدامات لازم عمل آمده است و دولت آمریکا حاضر است که در باره این صد هزار نفر مهاجر کمکهای مادی معنوی را مجرا دارد.

و در ضمن بیانات خود اظهار داشت که وقایع و اغتشاش اخیر در فلسطین نباید هیچگونه تأثیری در مهاجرت یکصد هزار نفر داشته باشد و نیز اظهار امیدواری نمود که روسای آژانس یهود که دستگیر شده اند بزودی آزاد خواهند شد.

**۱۲ تیر -**  
مستر ترومن رئیس جمهور آمریکا دشب پس یکساعت مذاکره با ۴ نفر از سران صیونست امریکایی اظهار داشت که از وقایع اخیر فلسطین متأسف میباشد اعمال اخیر دولت انگلستان در فلسطین بر علیه یهودیان بدون جلب موافقت دولت آمریکا صورت گرفته است.

**از اورشلیم خبر میرسد**  
دکتر وایزمن رئیس تشکیلات کل صیونست جهان که ۷۲ سال دارد بستری میباشد.

**روزه مهتد:**  
«راب فیش من» یکی از رؤسای سخوت که دستگیر شده است در زندان از خوردن غذا امتناع نمود و بعلت کسالت مزاجی در بیمارستان زندان «لاترون» بستری و دچار وضعیت خطرناکی است.

و ادار میسازد که در باره عده بیشماری که اکنون در اینجا حضور ندارند صحبت کنیم.

جنگهای ما منوط و مربوط به پیدایش حلوتس و عملیات اوست.

انقلاب گتوی ورشو در ماه مه شروع نشد بلکه در ابتدای چنگ آغاز گشت.

ما برای بدست آوردن زندگی آزاد و حیثیت شرافتمند و از تراق مبارزات خود را شروع نمودیم.

ما در گتوی ورشو دسته جات پاک و منظمی ایجاد کردیم که آنها در روزهای سخت چنگ کمک مؤثری بنا نمودند. ترجمه: داود آشوری

شیوری که برای یداری خستگان آنها بی موقع نواخته شود مرکز گوارا نیست، چرت همه را پاره عده ای را هم به نا سزا و ادار می کند.

شما جوانان یهودی، اگر در علوم عقلی و مادی دارای نبوغ و قریحه هستید، و اگر کمال قدرت را در بحث کارهای علمی دارید، متأسفانه در رشته هنرهای زیبا و علوم که با تخیل و اندیشه و روحیات اجتماع سروکار دارد خیلی عقب مانده اید.

من شیور مقاله «سبک نی داود» را بی موقع نواختم تا چرت شمارا پاره کنم، مایل بودم اگر چیزی در چنته دارید روی دایره بریزید انمکاس این مقاله ثابت کرد که نه تنها از این مقوله بهره ای ندارید بلکه هنوز وارد موضوع هم نشده اید و اگر این امتحان در کلاس درس طرح میشد نمره شما صفر بود.

من شمارا در این باره تنبیل و مقصر فرض نمیکنم، مقتضای زندگی یهودیان در ایران شمارا مجبور کرده است که تمام کوشش و سعی خودتان را در تلاش معاش مصرف کنید.

شعر و شاعری نقاشی، موسیقی و امثال آن تا اندازه ای که با امرای حیات و امور مادی شاسازگار بوده ترویج یافته زاید بر آن چون بصره مادی نزدیک نیست از آن بهره مند نشده اید.

این توضیح را که مینویسم نه برای اینست که باشما مناظره کرده و بخواهیم از رویه ای که دارید منصرف شوید بلکه باین جهت نوشتم تا سی چهار سال دیگر وقتی کسانی یافت شوند که بخواهند درباره هنرهای زیبا پایه اطلاعات شما را بسنجند مآخذ عمل را در دست داشته باشند و بدانند در این تاریخ هنوزان محبت برای جوانان یهودی ایران تارک بوده است.

حال خواهید گفت اینهمه موسیقی دان که در گذشته و حال میان یهودیان ایران ظهور و خدشانی بوسیله ایران کرده اند چه کسانی بودند و این گفته..... سرگردان ناروا است و اگر او را می شناختیم پنجه با او نرم میکردیم.

عزیزان من صرف نظر از شخص «مرتضی نی داود» که درباره او در آخر این مقاله توضیحاتی خواهم داد بقیه کسانی که شما در نظر دارید و نام آنها را می شمارید موسیقی نواز بوده اند نه موسیقی ساز یا موسیقی دان و البته تصدیق دارید که جز عده موسیقی نواز از سایر هنرهای زیبا اثری در جامعه یهود ظاهر نشده است البته میل دارید تفاوت موسیقی ساز و موسیقی نواز را برای شما توضیح بدهم.

باید اول یک بحث علمی را خیلی مختصر یاد داشت کنیم تا این تفاوت خود بخود درک و محسوس گردد.

علوم که در دنیا تا کنون شناخته شده اند دو دسته هستند علوم که فقط با عقل سر و کار دارند مانند علم طب، شیمی، ریاضی و کلیه صنایع که رفع احتیاج بشر را میکنند و آنها را از لحاظ کیفیت می شناسند صاحبان این علوم میتوانند یک ششی را که با چشم دیده و با دست لمس میشوند و شخصی میتواند کبیت آنرا درک کند مقابل ما بگذراند.

دسته دوم علوم هستند که هم با عقل وهم با تخیلات سر و کار دارند و آنها را از نظر کیفیت می شناسند از قبیل موسیقی، نقاشی، شعر و شاعری، روانشناسی و سایر صنایع ظریفه که از لحاظ کبیت چندان قابل

ملاحظه نیستید مانند صدای موسیقی ولی کیفیت آنها دارای اهمیت فراوان است اهمیت این طبقه از علوم بواسطه احتیاج به تخیلات است که علاوه بر عقل نیازمند دماغهایی است که بتواند بر مرکب خیال نشسته در آسمان و زمین درصارت های زیبای اغنیا و در کلبه های خرابه فقراء در حلقه عروسی و در سلول زندان در میدان های چنگ در مجالس انس همه جا را طی کند

با همه کس در هر حالت بتواند همدرد شود در عالم خیال همراه ثروتمندان درک لذت کند در همان حال غم و اندوه یتیمان و بیوه زنان و محرومان را هم اندازه گیری نماید روحیات جامعه که در آن زیست میکند بخوبی بشناسد اید - آل ها و احساسات قاطبه مردم با همه اختلافاتی که دارند یکجا در اوج جمع میشود

سپس گزارش خود را بوسیله علمی که دارد نقاشی یا موسیقی یا شعر یا اثر حتی با ساختن مجسمه بعلت عرضه دارد آنوقت است که هر طبقه و هر دسته از مردمانی که با او زندگی میکنند مکنون ضمیر و اسرار درونی خود را در قطعه ای که بوجود آمده میبایند سببی در کار نیست ولی از نظر کیفیت همه را مجذوب ساخته میل دارند مکرر در مکرر با آن قطعه که نتیجه فعالیت عقل و تخیل است دمساز شوند و از او دور نگردند

ملاحظه کنید یک مصرع یش با افتاده (چه خوش بی مهربانی هردوسری) که نتیجه تخیل شاعر است و پس از اینکه بملهای مردمان سر کشی کرده احساسات و تمایلات طبقات مختلف را واریسی نموده از دماغ بابا طاهر تراوش میکند چه اندازه در قلب ها جا میگیرد هر نامزدی انقلابیک باز آن را برای طرف خود نوشته هر دوستی بدوست دیگر گفته در مجلس عروسی و در مجلس عزرا مطلوب است.

چون مقتضیات زمان و مکان و روحیات این فلسفه باباطاهر هنوز باقی است با مرور زمان کهنه نشده و دلچسب است این یک نمونه مولود عقل و تخیل است ولی کتاب شعر قآنی با اینکه بیش از شصت هفتاد سال از عمر آن نگذشته چون نتیجه تخیل و مطابق با احتیاجات و روحیات مردم نیست ارزشی ندارد باباطاهر این مصرع را سرود ولی قآنی اینهمه اشعار را ساخته است.

این توضیح یعنی تفاوت علوم عقلی و کبی با علوم عقلی و تخیلی و کیفی را در نظر داشته باشید تا به بینیم ضمن تجزیه موضوع چگونه میتوانیم آنها را از یکدیگر فرق بگذاریم.

حرفه و صنایعی که در دست اشخاص است اعم از عقلی یا تخیلی دو صورت دارد.

اول - کسانی هستند که شغلی را به ترتیبی که در آن صنعت مقرر است فرا گرفته و آنچه را یاد گرفته اند میتوانند بهمان ترتیب تکرار کنند مثلاً یک نفر قالی باف با مقداری پشم و چاقو پشت دستگاه رفته افکارش نزد زن و فرزند یا جای دیگر است ضمناً نظر به مهارتی که دارد نقشه ای را در ذهن سیرده می یابد این آدم با اصطلاح علمی تکنیسین است یا خبره کار یا ذی فن پنجاه سال پشت دستگاه قالی می یابد اشتباه هم نمیکند عقل او هم سالم است ایرادی هم باو وارد نیست.

قالی باف دیگری اولین نقشه قالی را که تمام کرد بمرض نایش و انتقاد میکند سعی میکند تمایل مردم را بخوبی درک کند به بیند چه رنگهایی را مردم دوست نیدارند و از چه نقشه لذت میرند عقل و تخیل را بکار

صورت دارد.

میرد تا بالاخره مطابق سلیقه بنا بمقتضای زمان و مکان و وسائلی که در دست دارد یا در نظر گرفتن انتقاد نقادان در دفعه دوم قالی بهتری که مورد قبول مردم است بوجود می آورد.

قالی باف دوم وقتی که تحسین و تعریف مردم را می شنود درک میکند که توانسته است با تخیل و عقل با دیگران همدردی کرده احتیاج آنها را رفع کند بخود می بالد باز عمل خود را تکرار میکند او بیول و زیادی محصول اهمیت نمیدهد میخواهد مردم او را مرتفع کننده احتیاجات روحی خود بدانند از این امر کیف میرسد این مرد تکنیشین نیست بلکه دارای سبک مخصوص است و دارای « استیل » معنی ( برای استیل معنی فارسی جز سبک نایم )

قالی باف اول احتیاج مردم را رفع میکند صنعت معنی کد دارد نشان میدهد ولی قالی باف دوم احتیاج مادی و روحی مردم را با هم برآورده است چیزی بوجود می آورد که مردم دوست دارند.

پزشکها گاهی فقط تکنیشینی هستند که مریض از وجود آنها رفع احتیاج میکند بزشک هائی هم هستند که نظم و ترتیب را از دست نمیدهند ولی سعی دارند دارای استیل باشند سبک مخصوص در مطالبه داشته باشند و این سبک را باید با مراجعه بروحیات و تمایل اکثریت جامعه اتخاذ نمایند نه براده و استبداد شخصی.

مگر برای شمرگفتن چه چیز هائی لازم است مقداری سواد، دانستن ادبیات و خواندن اشعار گذشتگان دانستن صرف و نحو و منطق و شناختن قافیه بعد از آن چند جمله از قبیل لبموی پستان کمان اسرو یافت لب قد سرو زلف چلیپا با چند کلمه عشق و هجر و وصال و درد و رنج و چند حرف رابطه اینها را حاضر کرده مثل شطرنج بازی که صفحه شطرنج را می چینی مانند حل مسائل عمودی و افقی «عالم بود» کلمات و عبارات و حرفهای رابطه را بالا و پائین میریم عاقبت يك یا دو بیت غزل عاشقانه از کار در می آید.

آیا واقعا گوینده یعنی سازنده چنین شعری عاشق است و سوز و گداز عشق را در عالم تخیل در قالب عبارات ریخته و قطعه ای را بوجود آورده است ؟

این چنین شخصی شعر ساز است ؟

آیا این چنین شعری با شعری که رودکی گفت :

« شاه ماه است و بخارا آسان ماه سوی آسان آید همی »

و یکباره پادشاه و دربار ملت ایران را تکان داد از يك سرچشمه برخاسته اند ؟

آیا تصنیف عوامانه مرحوم عارف قزوینی شاعر ملی ایران که در زمانی بنا بمقتضیات وقت سرود :

« گریه را بستی بهانه کردم - آستین چو از چشم برگزتم - سیل خون زدام روانه کردم » و یکباره آزادخواهان ایران را وادار به هجرت کرده و کشور ایران را در بیطرفی نگاهداشت یکی است ؟

خیر برادران من عارف عقل داشت بقدر لزوم سواد هم داشت بالاتر از همه تخیل داشت میتواند روحیات و احساسات مردم را با سیر در تخیلات خود تشخیص دهد با مردم همدردی میکرد درد آنها را درک مینمود سپس مانند کسی که اوضاعی را بخواد گزارش دهد متن يك قطعه کوچک ساه مردم را تحریک مینمود شعرا را سبارون، فضلا علماء بچه ها و حتی مطرب ها همه جا مینواختند و کف میردند رودکی و عارف دارای سبک و استیل مخصوص بخود بودند.

حالا که میتوانیم بین علوم عقلی و علوم عقلی و تخیلی و بین تکنیشین و صاحبان سبک و استیل فرق بگذاریم و آنها را از

یکدیگر جدا کردیم ناچار باید بدانیم چه کسانی میتوانند دارای سبک باشند و آنها بیکه قدرت تخیل آنها باندازمی قوی است که از قلوب جامعه خبردار هستند و میتوانند تمایل مردم را تشخیص بدهند کیانند چون این طبقه را که تعریف کردیم تکنیشین ها خود بخود معرفی میشوند.

برای اینکه مردم باذوق بتوانند با سرودن يك قطعه موسیقی یا شعر یا نوشتن يك شعر خوب یا با يك مجسمه كچی احساسات يك ملتی را تعریف کنند باید دارای خاصیت مخصوصی باشند این خاصیت فوق علم و تخیل است یعنی این خاصیت است که اصلا تخیل را بوجود می آورد.

عده ای عقیده دارند این قبیل نواخ هنر از قوه ماورای طبیعت یعنی از قوه خدائی الهام میگیرند و خواست خداوند است که قدرت شعر سازی و موسیقی سرائی و سایر هنر های زیبا را در وجود فردی می گذارد.

عده دیگر این خاصیت را مرتبط با ماده دانسته و عقیده دارند که ساختمان بدن این قبیل هنرمندان از حیث عصب و مغز متفاوت است اعصاب آنها دارای خاصیت بیشتری است این مردم وقتی که در مسیر خود به هنرهای زیبا برخورد میکنند مانند قوه جاذبه الکتریسته آت را جذب میکنند و میتوانند مطالب و زیبایی های هنر را درک کنند و قدرت آنها برای تجسم موضوع مرهون اعصاب حساس آنها است.

من این دو عقیده را مخالف یکدیگر یعنی مادی و روحانی نمیدانم بلکه معتقدم وجود اعصاب حساس در ساختمان يك فرد فوق اعصاب دیگران همان الهام است یعنی خواست خداوند است که کسی دارای اعصاب حساس تر از سایرین باشد و در نتیجه هنر های زیبا را درک کند و بتواند روحیات و احساسات و تمایلات توده را با هنر خود مجسم سازد.

چه بسا کسانی که دارای این موهبت بوده و اعصاب آنها خاصیت این حساسیت را دارد ولی شرایط زمان و مکان برای آنها فراهم نیست گمنام زیسته و معدوم میشوند.

اگر آدم حساس با اعصاب بسیار تیز در کوه های کلهکوه بهبهان بدنیا بیاید برخورد او در مسیر زندگی ممکن است با چوپانی باشد که برای گوسفندان خود نی مینوازد اگر نوای نی او را برایشان و مجذوب کند او فقط میتواند در محیط خود فقط نی زن خوبی باشد و اگر چنین هنصری در محیط امریکا بوجود آید برخورد او با بهترین وسایل موسیقی است آنوقت است که یهودا منوهین میشود اسباب کاری شرایط زمان و مکان سرنوشت این نواخ را معلوم میکند محتشم کاشی زمانی بوجود آمده که در ایران تحریک خوانی و عزاداری باغلی درجه متداول بود باین جهت شاهکار او بصورت ترجیع بند محتشم ظاهر گشت امروز بروز خطیبی در مسیر زندگی خود با آهنگ های تانگو و فوکس استروت و تمایل توده پانها برخورد میکند همه روزه شاهکاری از این قبیل از او تراوش مینماید.

اگر امروز بروز خطیبی مرتبه سازده مطابق سیر تکامل و شرایط زمان و مکان نیست و اگر کسی باو دستور بدهد که حتما مرتبه سازد البته عاجز نیست مرتبه را می سازد ولی مرتبه ای که بروز خطیبی در این زمان بسازد دیگر اثر اشعار محتشم را ندارد.

بقیه در صفحه ۷۱۸

مصر و سوریه و آسیای صغیر  
ترجمه م: کرمانیان

# تاریخ مختصر یهود

مصر و سوریه و آسیای صغیر را فتح کرد و آخرین پادشاه هخامنشی را موسوم به « دازا » شکست داد و با این فتح بر تمام ممالک متصرفی دولت پارس که از سرحدات هندوستان تا دریای مدیترانه امتداد داشت تسلط یافت و بین این ممالک کشور یهود را نیز تصرف در آورد ( ۳۳۳ ق - ۳۴۲۷ قری )

روایات تاریخی یهود حکایت میکند که بمجرد رسیدن اسکندر بنزدیکی اورشلیم کاهن بزرگ با تفاق دستگانه کاهنان ولایان معبد با لباس های رسمی و تمام سفید و تشکیلات مذهبی خود و بعبت عده ای از بزرگان شهر باستقبال او از شهر بیرون آمدند.

اسکندر همیشه کاهن بزرگ را دید از اسب خود بریزر آمد و در مقابل او تعظیم کرده و بسرداران خود گفت که شکل و شبح این پیر مرد در یونان شبی در خواب دیده و وی او را بفتح تمام بلاد روی زمین مژده داده است.

اسکندر نیز مانند سلاطین ایران آزادی کامل یهودیان اعطا نمود تا مطابق اصول مخصوص خود زندگانی کنند و بعد از اینکه وارد شهر شد معبد را زیارت نموده و فرماندهی از جانب خود در آنجا گماشت و در باره خوشرفتاری با اهل مملکت باو سفارش نمود یهودیان نیز با رضایت فرمانروائی او را قبول نموده و با احترام او اولادان ذکور خود را که در آن سال متولد شده بودند اسکندر نام نهادند.

اما سلطنت اسکندر دیری نپایید و مانند تمام سلاطین که بقهر و غلبه بر ممالک زیاد دست میابند دولت مستاجل بود باین معنی که در بهار جوانی وفات یافت و ممالک پهناوری را بدون اینکه وارث یا ولیعهدی داشته باشد برای شروع جنگ و نزاع بین سرداران فاتح و مفرور خود باقی گذاشت و سرداران فوق الذکر بعد از جنگهای زیاد ممالک اسکندر را بین خود تقسیم نمودند بنا بر این تقسیم کشور مصر و حوالی آن نصیب یکی از سردارانش موسوم به « تلمی » شد و سوریه و بابل و ایران و کشور یهودا را سردار دیگرش « سلوکوس » تصاحب کرد و یونان نیز بسردار سومی رسید.

این مرتبه هم چون کشور اسرائیل مابین قلمرو دو سلطنت واقع شده بود بر سر تصرف آن جنگها برپا شد تلمی قسمت خود اکتفا ننموده و کشور یهودا را از همان ابتدا با جنگ تحت تصرف خود در آورد و شهر اسکندریه را در مصر که بوسیله اسکندر کبیر بنا شده بود پایتخت خود قرار داده یونانیان و یهودیان را در آن جای داد بدین ترتیب کشور یهودا بیش از یکصد سال تحت تصرف سلاطین یونانی نژاد مصر بود خانواده تلمی که به « pholémés » مشهورند نامدتی با یهودیان تحت سلطه خویش خوشرفتاری نموده و حقوق مساوی برای آنان قائل بودند و بجز دریافت مالیات سالانه ای که بوسیله کاهن بزرگ باسکندریه بایستی فرستاده شود کاری بامور داخلی و ملی آنان نداشتند کاهن بزرگ از طرف تلمی بسمت رئیس ملت یا « اتنارک » انتخاب شده و مأمور جمع آوری مالیات و فرستادن آن برای دربار pholémés بود که با کمک انجمنی از پیر مردان کارهای داخلی را نیز اداره مینمود.

دائر خوشرفتاری سلاطین خانواده تلمی از هر طرف یهودیان به اسکندریه روی آوردند و در ظرف مدت کمی شماره ساکنین آن شهر

۱۹- بقیه از شماره قبل

زیاد شده و چندین محل و خیابان از شهر را ساکنین یهودی اشغال کردند و در اثر آمزش با یونانیان کم کم زبان خود را فراموش کرده و تمدن یونانی را فرا گرفتند.

دومین پادشاه این خانواده موسوم به « تلمی دوم » احترام یهودیان را بیشتر نگاهداشته و حقوق بیشتری برای آنان قائل شد و چون اهل علم و دانش بود روی این منظور کتابخانه معتبری در اسکندریه تاسیس کرد که نام کتب آترمان را در آن جمع آوری نموده بود برای اینکه از کتب مذهبی یهودیان نیز بتواند استفاده کند و از طرف دیگر یهودیانیکه زبان خود را فراموش کرده بودند نیز از خواندن و مطالعه آنها بهره مند شوند هفتاد نفر از دانشندان یهود را بوسیله کاهن بزرگ از اورشلیم به اسکندریه دعوت نمود تا هر یک بتنهائی تورا را بر زبان یونانی ترجمه نماید بنا بر روایت تاریخی و مذهبی یهود ترجمه این هفتاد نفر که هر یک بتنهائی انجام داده بودند همه با هم یکسان درآمد و باعث تحسین پادشاه شد و تورا را بتعداد زیاد طبع نمود و یهودیان غیر یهودیان هدیه کرد این ترجمه که به « ترجمه هفتاد » یا « septo-agenta » مشهور است آرزو در روحیه یونانیان که هنوز بوخت خدا و فرامین اجتماعی بی نبرده بودند تأثیر زیاد نمود.

ولی در زمان سلطنت تلمی سوم در اثر بدرفتاری وی بین یهودیان اختلاف افتاد و دسته ای از آنان مایل بودند که بر سلاطین مصر شوریده تحت تسلط سلوکوسها قرار گیرند.

باین عقده سیاسی عامل طبیعی دیگری نیز کمک میکرد چه کشور یهودا بواسطه بیابان های شبه جزیره سینا از مسیر مقرر سلاطین « Pholémés » جدا میشد ولی برعکس نین سوریه و ارض اسرائیل موانع طبیعی باین عظمتی و فاصله طولبی وجود نداشت تا بوسیله آن بتوان جلو حمله کنندگان شمال را گرفت این بود که جونو دوم « Honieu » کاهن بزرگ هم از روی این عوامل از پرداختن و فرستادن مالیات سالانه خودداری نمود. تلمی سوم به اذیت کردن یهودیان خارج از ارض اسرائیل و جنگ کردن با یهودیان داخل ارض اسرائیل او را تهدید نمود ساکنین اورشلیم ترسیده و از بین آنان برادر زاده جونو موسوم به « یوسف بن طویا » باسکندریه رفت و با وعده دادن باین که مالیات بیشتری در سال به خزانه شاه خواهد داد از تلمی طلب بخشش نمود و خود بسمت « اتنارک » منصوب شد و در مدت بیست سالی که وی باین سمت باقی بود خزانه تلمی را از مالیاتهای گمرشکن ساکنین یهودا پر نمود و خود و نزدیکانش هم بعد از آنکه غنی و ثروتمند شدند بیطالت و هرزه کاری عادت کرده و مانند یونانیان زندگانی میکرد و قوانین و قواعد یونانی را جایگزین قوانین مذهبی یهود مینمود.

تلمی چهارم با سلوکید ها جنگ نمود و زیارت معبد آمد و بواسطه بی احترامی نسبت بملکان مقدس واقع در معبد که فقط اجازه ورود به آن مخصوص کاهنان بزرگ است مردم باو شوریدند و او نیز از آن روز بعد با یهودیان بمخالفت برخاست و آنانرا بسیار آزار رسانید و در اثر این اعمال یهودیان بکلی از خانواده سلاطین مصر متنفر شده و خود را برای بدبختی سلوکیدها آماده نمودند و هنگامیکه آنتیوکوس پادشاه سلوکیدها سیاهان مصر را شکست داده وارد اورشلیم شد ( ۱۹۸ ق - م ) مقدم او را گرامی شردند.

**تأسیس کارخانه شیمیائی جدید - تمجید از پیشرفت صنایع در فلسطین - هدیه دولت انگلیس  
بدانشگاه اورشلیم - بیریا آزاد شد - اتحاد محکمتر بین آژانس یهود و وعد هالتومی -  
وضعیت اسرائلهای بیروت - ترقیات صنایع فلسطین - ورود ۴۷۰ اسرائیل فلسطین -  
وضعیت دولت لهستان در مقابل اسرائیل**

**تأسیس کارخانه شیمیائی جدید**

در آینده نزدیکی کارخانه بزرگی که در نزدیکی حیفا مشغول ساختن آنتد بیابان خواهد رسید و آسید سولفوریک و آسید هیدرو کلوریک و بوتاسیوم و سولفورفات تهیه خواهد نمود.

(کپانی فرتیلایزر و کیکاکاز معدود) شرکت جدیدی تشکیل داده که چندکپانی دوا سازی دیگر هم در آن وارد هستند و سرمایه آنها به ۵۰۰/۰۰۰ لیره فلسطینی برآورد شده است و مقصود از تأسیس این شرکت توسعه در تهیه کلیه کودهای زراعی لازم برای حاصلخیز کردن ارض اسرائیل میباشد.

**تمجید از پیشرفت صنایع در فلسطین**

(آقای وونج) مهندس امریکائی که اخیراً فلسطین را بازدید و صنایع آنجا را دیدن نموده اظهار داشته که اغلب کارخانجات فلسطین دارای تجهیزات کاملی هستند بطوریکه با کارخانجات امریکائی میتوانند رقابت نمایند و بعضی دیگر از کارخانجاتی که هنوز ناقص میباشند میتوانند اکنون که جنگ پایان رسیده کلیه تجهیزات لازم را از امریکایا انگلستان وارد نمایند.

اتحادیه امریکائی (دوستان کالج فنی) که ۱۲۰۰ نفر عضو دارد اظهار داشته که حاضر است همه نوع کمک بار بیابان صنایع فلسطین بنماید.

**هندوستان در کشاورزی اسرائیل فلسطین مطالعه مینماید**  
هیئت کشاورزی هندوستان عنقریب بسوی فلسطین عزیمت و در تمام کلنی ها و مزارع یهود مطالعه خواهد کرد تا تقریباً عین آن نقشه ها را در هندوستان تعقیب نماید.

**گل فلسطین**

یکی از کپانیهای تخم گل فروشی امریکایا به کلنی (میشارهارون) سفارشی داده که همه ماهه تخم گلپلهائی را که در کتاب مقدس تورات نامبرده شده اند مرتباً بامریکایا بفرستد.

آقای داوید (نانن باوم) رئیس بخش اقتصادی سازمان صیونیسه امریکایا اظهار داشته که درعید (شابوعوت) که مصادف با عید (نیتیکاست) بوده مقداری زیادی گل زنبق از فلسطین بامریکایا ارسال شده است.

**هدیه دولت انگلیس بدانشگاه اورشلیم**  
دولت انگلستان بیست دستگاه رادیو پهن بزرگ و چند صندوق تجهیزات الکترونیك بعنوان هدیه بدانشگاه عبری ارسال داشته تا از زحمانی که در راه تهیه صناعات بلور کوارتز (quartz crystal) برای دستگاههای فرستنده رادیو کشیده اند قدردانی نموده باشد دستگاههای نامبرده اداره نمایندگی یهودیان فلسطین



در جنگ مارت فوق العاده بدر نیروی انگلیس خورد. صندوقها در پایان ماه مه وارد فلسطین گردید. یکی از مقامات صلاحیتدار که از کارکنان عالی دولت انگلیس در خاور میانه بوده اظهار داشته که اگر این صناعات بلور نبود قلد مارشال موتسگری در آن جنگ یسرفت نمیکرد.

**بیریا آزاد شد**

پس از سه ماه صبح ۷ ژوئن ارتش انگلیس معاصره دور کلنی (بیریا) را برداشت و جشنی برای این منظور منعقد شد که سرتیب (ولش گاردز) و آقای (م. کاهانه) رئیس کلنی و آقای (تریز) بازرس شهرستانی صفاد و چند نفر دیگر از نمایندگان آژانس یهود و خودکیوس در آن شرکت کردند و جماعات کثیری مرد و زن آواز خواندند و میرقصیدند و شب هنگام مشعلهایی روشن نموده و تفریح میکردند.

**اتحاد محکمتر بین آژانس یهود و وعد هالتومی**

در آینده مدیر وعد هالتومی و مدیر عامل آن در جلسات هیئت عامله آژانس یهود شرکت خواهند کرد و وظیفه (وعد) این خواهد بود که بخش جدیدی تأسیس و مسائل مربوط بمقامات دولتی با سرویسهای

سرتاسر کشوری را قطع و فصل نماید. امیدواریم که این دوجمیت بزرگ در سایر مسائل هم بتوانند همکاری نزدیکی بنمایند.

**وضعیت اسرائلهای بیروت**

جمعت کوچکی که از ۵۰۰۰ نفر متجاوز نیست و فوق العاده فقیر و بیچاره است و علاوه بر آن از حیث روسیه هم خیلی عقب مانده میباشد هر چند بیروت نزدیکترین شهر مهمی است که در جوار کشور فلسطین قرار دارد مهبذا (گالوت) با کمال شدت بر آن حکمفرمایی میکند و خیلی احتمال میرود که همه این بدبختها بر اثر استیصال مجبور به آسیلاسیون شوند اسرائلهای بیروت بامور کشاورزی یا صنعتی نمیردازند (گرچه اسرائلهای دمشق در بعضی صنایع یسرفت مهمی کرده اند).

یگانه مسئولیت ایشان کاسبی و دوره گردی است و دولت سوریه هم از پذیرفتن ایشان در ادارات خودداری میکنند. سطح تحصیلات عبری ایشان خیلی یائین است و هیچ مؤسسه ای که بتواند عبری صحیح درس بدهد آنجا وجود ندارد و سطح منب هم از دو نسل پیش تاکنون خیلی تنزل کرده است و اسرائلهای منب خود را از سایرین پوشیده میدارند !!!

در ایران خیر میدهد

**وزیر امور خارجه انگلیس میگوید که پیشنهاد کمیته تحقیق راجع باغرام صد هزار یهودی فلسطین پذیر فتنی نیست**

روز ۱۲-ژوئن ارنست بوین در کنفرانس سالیانه حزب کارگر اظهار داشت که پذیرفتن فوری یکصد هزار یهودی در فلسطین امکان ندارد ولسی دولت انگلیس در صدد است کشور فلسطینی بوجود آورد که یهودیان هم در سیر امور جهانی دارای رای بشوند.

ضمن سایر اظهارات خود گفت «اگر ما اجازه دهم که یکصد هزار یهودی فردا وارد فلسطین شوند ناچار خواهیم بود که یک لشکر انگلیسی دیگر آنجا بفرستیم و مت حاضر بچنین عملی نیستیم».

یهودیان درخواست نموده اند که نه تنها خانه ای در فلسطین داشته باشند بلکه آنجا را یک کشور یهودی نمایند بطوریکه صدای آنها هم در مؤسسات بین المللی دنیا شنیده شود و من هم حاضر همین کار را برای ایشان انجام دهم ولی البته وقت و کار لازم دارد تا درست شود.

راجع به فشار امریکاییها (مخصوصاً نیویورک) که هر چه زود تر یکصد هزار یهودی فلسطین اعزام شوند امیدوارم که سوء تفاهم نشود اگر بگویم که این فشار بخاطر آنست که خودشان نمی خواهند خیلی از این قبیل اسرائلهای در نیویورک باشند.

بعد بوین ضمن اشاره بخارج هنگفتی که دولت انگلیس در فلسطین نموده گفت که «ما تاکنون دویست میلیون لیره خرج فلسطین کرده ایم» (۸۰۰ میلیون دلار) که البته کم شکن است و باینجهت دیگر حاضر نیستیم چنین عملی را تکرار نماییم، هر قدر در مسئله ارتفاع فلسطین بوسیله همان نقشه ای که برای حاصلخیزی ماوراء اردن طرح شده بیشتر تعمق مینمایم باین نتیجه میرسم که عوم باید سهمی از زمین داشته باشند تا برای پیشرفت آن زحمت بکشند آنگاه وزیر خارجه افزود «خیلی از دولت امریکایا متشکریم که پیشنهاد ما را قبول کرده و اشخاصی را فرستاد تا توانستیم کمیسیون تحقیق را تشکیل دهیم که نتیجه اش اعزام یکصد هزار یهودی فلسطین ود ولی باید گفت که مسئله فلسطین خیلی هراس انگیز و بقدری دشوار است که دیگر نمیتوان گفت تنها مربوط باداره مستعمرات وراوت خارجه انگلیس است بلکه موضوعی است بین المللی».

اینجا میگویم از یهودیان و اعراب صمیمانه خواهش کنم که تفنک خود را زمین بگذارند... آن سرباز انگلیسی چه تقصیری دارد که شما او را آماج تفنک خود قرار میندهید زیرا شما باین عمل خود حس آنتی صیونیسیم را در میان ارتش انگلیس شدید تر خواهید نمود... بقیه من بهتر است طرفین اسلحه را کنار بگذارند در انصورت وصول بصلح و ترقی خیلی آسانتر خواهد ود.

این مسئله مهم خاور میانه را میتوان با تصمیم و صبر حل نمود البته اعراب بنتهایی نمیتوانند مسئله فلسطین را حل نمایند چون این موضوع با مسئله مصر ارتباط کامل دارد.

سیاست مادر مصر دیگر کاملاً مثل سیاست چرچیل نیست... من تصور میکنم کشوری در دنیا وجود نداشته باشد که تمام افرادی از یک نژاد باشند آیا میتوان مثلا ساکنین شهر کلاسکورا

قط از اسکانندنها تشکیل داد هیچوقت .... اصولا غیر ممکن است ....

در پایان صحبت خود بوین راجع به تأسیس کشور فلسطین چنین گفت «هیچوقت در دنیا فرصتی بهتر از این در تاریخ نوع بشر برای حل این قضیه وجود نداشته است... من با اعراب و یهودیان میگویم که اینجا (فلسطین) سر زمین مهمی است... از هر دوی آنها تقاضا دارم که در پیش بردن نقطه نظر خود فشار وارد نیآورند...»

البته من نمیتوانم قبول کنم که یهودیان اروپا و سایر نقاط دنیا از رفتن فلسطین محروم شوند... ولی در کشورمانی که فعلاً بعنوان میهن خود پذیرفته اند باید مراعات قوانین آنجا را بنمایند.

اب وارم هونی شوم که حقوق یهودیان را با سایر افراد کشورها روی پایه مساوات قرار دهم.

**عکس العمل نطق بوین در امریکایا**

ژوئن ۱۳- سناتور ادوین جانسون دیشب ضمن سخنرانی در (باغ مادیسون) به بریتانیا اعلام نمود که قیومیت فلسطین را تحویل امریکایا دهد.

سازمان صیونیسست امریکایا از دولت تقاضا نمود که از دادن قرضه بانگلیس خود داری نماید تا وقتی که قول و تمهیدات خود را با اسرائیل وفا کنند.

سناتور جانسون گفت که «انگلستان معلوم است که نیکخواهد و نمیتواند مسئولیت خود را نسبت بقیومیت فلسطین انجام دهد... وقتی از امریکایا تقاضا نمودند که مساعدت نظای خود را برای مهاجرت ۱۰۰۰۰۰ یهودی فلسطین بدهد مسلم بود که اینها (انگلیسها) یگانه مقصودشان این است که سیاست منفور و حجات آوز خود را یعنی بر انگیختن عده ای علیه عده دیگر واستفاده شخصی از نزاع این دودسته را تعقیب نمایند».

فریاد (مردم باد بوین) در سرتاسر سالون طنن ادا از بود دکتر واز گفت که حق دارد اگر بگوید انگلیسها مسترترومن را باین حرفها دست انداخته و مسخره کرده اند زیرا رئیس جمهور بود که پیشنهاد اعزام یکصد هزار یهودی را فلسطین نمود و بعد اضافه کرد که «ما امریکاییها حق داریم از دولت خود بپرسیم که آیا میتواند بیک دولتی وام بدهد که قولش هیچ اعتباری ندارد» تمام حضار فریاد کردند «کلای انگلیسی را تعزیم کنید».

دکتر سیلور گفت که ملت انگلیس باید این «مودی و عوام الناس بی ارج» را «طلاق» گوید.

دکتر مایور دوایر لیدر کارگران مذهبی اظهار داشت که «مستر بوین چه حق دارد بپرسد که شهر نیویورک نسبت بملت یهود چه فکرمیکنند...» البته که نیویورک از ملت یهود افتخار میکند و دلیل هم دارد که فخر مینماید مردم نیویورک فطرت مستر بوین را ندارند.

اگر صد هزار بدبخت و بیچاره اروپا بخواهند فلسطین بروند باید ککشان کرد که هر چه زود تر مقصود خود لامل شوند... این بینواها در اروپا شام شب ندارند...

من از این سیاست بیرحمانه خیلی متناسفم و برای این منظور بقیه در صفحه ۷۲۳

**מהסוכנות היהודית במהראן מוסרים לנו חדשות אלה :**

ישראל

بیست و پنجمال قبل دو دسته از مردم .... دو عقیده .... یکدیگر برخورد نمودند و از این تصادف منبع نیروی صادر شد که مقدر بود کشور و ملتی را بکلی عوض نماید .... این نیروی متحرک هنوز امروز هم در فعالیت است : یکی از این دو عقیده : تاسیس کشور یهود دیگری : جستجوی يك نوع زندگی جدیدی بود . بعضی ها پیش خود تصور مینمودند که با صدور اعلامیه بالفور وقت آن رسیده بود که پایه و اساس يك کشور یهود ریخته شود و بعضی دیگر میگفتند که موقع آنست که اوضاع زندگیشان بطرز دیگری درآید .... اولی ها میخواستند برنامه ای را اجراء نمایند و دومی ها میخواستند رویای شیرینی را انجام دهند .

هر دو طبقه لزوم بر آورده شدن عقیده خود را حتی میسرند و در تحت فشار يك نیروی واحدی پیش میرفتند . آنهایی که از نقطه نظر سیاسی موقع را برای پی ریزی پایه های کشور یهود مناسب میدیدند بنگاه ( قرن هیسود ) را تاسیس نمودند تا آنرا وسیله آبادی چنین کشوری قرار دهند ولی بدست خالی چه کاری میتوان کرد بنابراین شروع بنامین بودجه برای کشوری که هنوز صورت حقیقت بخود نگرفته برآمدند . دیگران بنی آنهایی که تصور میکردند وقت آن فرارسیده که نه تنها کشوری تاسیس شود بلکه زندگانی نوینی باید بوجود آید در ( دره اردن ) جایگیر شدند . اینها مردم و جوانان ( عالیای دوم ) بودند که قبل از جنگ بین المللی اول وارد ارس اسرائیل شده و تصمیم گرفتند میوه های تجربیات خود را که با آنهمه سختی بدست آورده بودند بگذارند که رسیده شود پس از آنها جوانان ( عالیای سوم ) از اروپای شرقی وارد شدند ( سالهای ۲۰ - ۱۹۱۹ ) و آنها هم آرزومند بودند که در اوضاع اجتماعی اسرائیل تجدید و رنسانسی بوجود آید .

در سالهای اولیه ای که مواجه با مشکلاتی میشدند کوچکترین تزلزلی در عقیده شان راه نمی یافت و دست تقدیر و نیروی اراده این اسرائیلیهای آنطرف دنیا را دارای اخلاق متحدالشکل نموده بود که بالاخره بر تمام سختیها فاتح آمدند . مثلا کلتی ( دگانای ) که در همان اوان تاسیس قرن هیسود بوجود آمد امروز بقدری ترقی کرد و توسعه یافته که میتوان گفت در ظرف بیست و پنجمال پیش از حد انتظار عظمت بخود گرفته عکسهای را که سابقا مشاهده فرمودید این عقیده را تأیید مینماید . هر روزی شیاری بر شیاری افزوده شد و کلبه های محقر روستایی مبدل بخانه های محکم و دلپذیری شد زمین خشک دره اردن مانند قلب نومید اسرائیلیهای دنیا پیرا از آب حیات و شادمانی گردید آری کارکنان دگانیا و قرن هیسود قدم بزرگی برای انجام آرزوی خود و برنامه و رویای خود برداشته بودند .

امروز دگانیا کلتی خیلی خوشبخت و مترقی است و نواده های اشخاصی که آنرا آباد کرده اند فعلا در چمنزارهای سبز و خرمش و در سایه درختان بلندش بازی و تفریح میکنند .

دگانیا ب یکی از دو بیست کلتی است که قرن هیسود تاسیس نموده است این بنگاه هم ساله بودجه خود را توسعه و کارهایش را بسط داده بطوری که امروز مهمربین آژانس کلتیزاسیون فلسطین شده است .

روی همین اصل است که تاریخ بیست و پنجمال قرن هیسود با تاریخ دگانیا ب با هم جلو رفته و تقریباً میشود گفت توأم بوده اند زیرا دگانیا ( اصولاً تمام کشاورزی اسرائیل در فلسطین ) بدون وجود قرن هیسود و قرن هیسود بدون وجود دگانیا حرف بی معنی خواهد بود . دنیای کنونی هنوز هم نمیتواند باور کند چگونه ثلث يك ملتی یعنی ۴ میلیون اسرائیل در ظرف ۳-۴ سال بوسیله اطفاقیای

ترجمه : المازار کوهن صدق

## بمناسبت بیست و پنجمال تاسیس قرن هیسود

گاهی خود اسرائیلیها هم نسبت باین رقم هنگفت ... ۵ میلیون مشکوک میشوند ولی حقیقت آن قابل انکار نیست و در نتیجه ما میتوانیم بفهمیم که در مقابل این کشتارهای وحشت انگیزی که اسرائیل اروپا را نابود کرد کلتی دگانیا و سایر دهات فلسطین برای ما چه ارزشی دارد .

اشخاصی که ممکن بود زیر چنگ جلادان وحشی آلمانی شهید شوند همانها مؤسین زندگی نوین یهود در فلسطین شدند .

هنگام انعقاد جشن بیست و پنجمین سال تاسیس دگانیا ب زن جوانی در میان آن جمعیت کثیر بلند شده و ضمن نطق مختصری گفت « من در فلسطین متولد شده ام و بچهام نیز اینجا متولد شده ام از همین جمله کوتاه و مفید میتوان پی برد که در ظرف این مدت چه ترقیات و تحولاتی در ارس اسرائیل پیش آمده که این زن اطمینان خاطر عشق و علاقه قلبیش را نسبت بکشور اجدادش با چنین کلمات صاف و پوست کنده ای ابراز میدارد ... اینجاسؤال می آید که امروز در کدام کشوری از ممالک جهان زنی میتواند بگوید که « این درخت را پدرم کاشته و در سایه آن من بزرگ شده ام یا این خانه هارا عمویم آباد و من در آنجا نشو و نما کرده ام و این بیابانستان را دوستانشان آباد کرده اند که من در میان آن طفل خود را زاییده ام ... چنین آرامش باطنی و چنین حس تسلل نسل و خوشبختی و راحتی را در کجای دنیا میتوان یافت »

همین آرامش باطنی که در نتیجه داشتن يك قطعه خاک اینچنین حادث شده وجه امتیاز اسرائیلیهای دگانیا ( و تمام کلتی های ارس اسرائیل ) از یهودیان سایر کشورهای جهان است ... همین حلوصیم اسرائیل هستند که برای اولین دفعه پس از دوهزار سال وارد خانه ای میشوند که بدست دیگران ساخته نشده بلکه کارگران اسرائیل در راه آبادی آن زحمت کشیده و مارک خود را روی آن گذارده است .

حلوصیم خاک دگانیا را آباد کردند و دگانیا هم آنها را آزاد کرده ... زیرا زمین حق شناس است و اشخاصی را که زحمتش را میکشند برکت میدهد .

باین ترتیب تاریخ ۲۵ ساله دگانیا و قرن هیسود يك تاریخ زحمت و برکت و فیضی است .

در پاییز ۱۹۲۰ نوزده جوان شجاع زمین دگانیا را تحویل گرفتند در آنزمان در تمام دره اردن بیش از سه کلتی وجود نداشت بکی که در سال ۱۹۰۸ آباد شده بود و یکی که در سال ۱۹۰۹ توسط محصلین روسی بی بضاعت پی ریخته شد و دیگری که در سال ۱۹۱۳ تاسیس گردید .

در این دره آب فراوان بود « بر موق » و « بردن » و « دریاچه کالیله » منابع پر برکتی بودند ولی متأسفانه وسیله ای برای استفاده از این آبها در این صحرائی لم یزرع وجود نداشت و بالتبعیبه نه درختی و نه میوه ای و نه مزرعه ای و نه حیوانی آنجا وجود نداشت این ۱۹ جوان با وجود مالاریا و تنهایی و گرمای سوزان آفتاب پشتکار و شجاعت را از دست نداده و بکار پرداختند و قرن هیسود هم آنها را کمک کرد و حالیه امروز رویای آن جوانان صورت حقیقت بخود گرفته و برنامه کاملاً اجراء گردیده است امروز دگانیا سالی ۵ میلیون مترمکب آب مصرف مینماید

۴۲۳ نفر در آنجا زندگی میکنند و ۲۰۵۰۰ را حیوان دارد که کارهایش بتهنایی ۴۶۵/۰۰

لیتر شیر میدهند . ۵۰۰ نان و ماهی و تخم مرغ فراوان است ۵۰۰ خانه های خنک و حوضهای پر از ماهی و اطفال سالم و درختهای خرما و خلاصه خوشبختی و امنیت در این کلتی حکم فرماست . ( دگانیا ) تنها نیست - آبهای یرموک دره اردن را آباد کرده اند و سرتاسر آن پر از کلتی شده است .

مخالفین مادمعی هستند که حاصلخیزترین زمینهای فلسطین را اسرائیلیها در دست دارند راست میگویند ولی مقصود خود را کاملاً نمیتوانند بیان نمایند زیرا عرق ریزی و مساعی مردم ( دگانیا ) و وجود قرن هیسود است که این زمینها را حاصلخیز کرده اند . آن جوانانیکه ( دگانیا ب ) را ایجاد کردند تنها نامندند از تمام اقصای کشورهای جهان اسرائیلیهایی که از میهن خود دور بودند مثل سیل آمدند و بکمک آن جوانان شتافتند و ( دگانیا ب ) هم آنها را پذیرفته و در خود جای داد - طولی نکشید که ( اسرائیلیهای جزیره مورس ) و ( جوانان تهران ) و فراریان ( باطریا ) از هر سو آمده و در آنجا کانونی تشکیل دادند .

بدها از فرانسه و لهستان و کانادا و اتانزونی و سبیری و روسیه و غیره نیز مردان فداکاری روی آورده و با همان احساسات جوانان ۲۵ سال پیش کلتی های دیگری در دره اردن تشکیل داده و آباد کردند .

مالاریا و سنک کشتی و آفتاب سوزان اشخاص زیادی را مریض کرده و بسیار بهم نزدیک بود روحیه خود را باخته و دلسرد شوند ولی ( دگانیا ) همه آنها را معالجه کرد آری دگانیا شفا میبخشد و آزاد بهم شفا میبخشد و حالا امروز ۴۲۳ نفر افراد سالم در آن یکمشت خاک زندگی میکنند که در حقیقت باعث شفا و تسلی دل تمام اسرائیلیهای جهان بشمار میروند .

همانطور که نخستین فارغ التحصیلای مدرسه متوسطه هرصیای تل آویو بکمک موسین دگانیا شتافتند جوانان دیگری هم برای آموختن و عادات و مخصوصاً برای شناختن زندگی جدیدی بدانجا روی آوردند و خیلی از ایشان همانجا ماندند ولی بقیه بنقاطی دیگر رفته و کلتی های دیگری آباد کردند و تقریباً ده دوازده کلتی امروز در بین ( کالیله شمالی ) و ( نقب ) وجود دارد که موسسینش در ( دگانیا ب ) تربیت شده بودند

( دگانیا ) يك سرمشق و نمونه خوبی است که تقریباً ۳۰ هزار نفر اسرائیل از آن تقلید کرده اند و هزاران جوان دیگر هم وجود دارند که فعلاً مشغول دریافت تعلیمات لازمه هستند تا روزی فرا رسد و آنها بتوانند ( دگانیا بی ) بوجود آورند .

عده زیادی از داوطلبان که در جنگ اخیر بسیج شدند از افراد کلتی ها بودند و هزاران مرد و زن اسرائیل اروپایی که سربازان ما را در آنجاها دیدند یعنی نخستین اسرائیلیهای آزاد حقیقی را در آنجاها دیدند مشتاق شدند که آنها هم فلسطین آمده و ( دگانیا بی ) آباد کنند .

تاریخ ( دگانیا ) مثل زندگانی درختی است که رو بتوسعه است و قوت خود را از داخل دریافت میدارد و ریشه های خود را در میان زمین هر روز بیشتر فرو میبرد و شاخهایش را بلند تر و بجا های دورتری میفرستد .

اینجا تاریخ عوض میشود - هر چند ( دگانیا ) نمونه فلاح

یهود است و هر چند کشاورزی اساس زندگی یهود در ارس اسرائیل است و هر چند ( قرن هیسود ) و کلتیزاسیون از هم غیر قابل انفکاک است معیناً این سرگذشت کامل قرن هیسود نیست بلکه فقط صفحه ای از آنست اینک بقیه :

از آوریل ۱۹۲۱ تا سپتامبر ۱۹۴۵ مجموع عایدات آژانس یهود تقریباً بیست میلیون لیره فلسطینی بود که ۱۴۵۰ میلیون آن متعلق بقرن هیسود بوده است و از این مبلغ تقریباً شش میلیون صرف کلتیزاسیون فلاحی شده است .

نخست لازم بود اشخاصی را برای تاسیس کلتی تهیه نموده یعنی آنها را از خارج وارد کشور نمود و منزلت آنها را تأمین کرد - مخارج مهاجرت هر سال بسال رو با زیاداد گذارده .

در زمان قدیم همه چیز بنفع ( حلوصیم ) توزیع میشد ولی از موقعیکه بدبختی دامنگیر ملت اسرائیل شد وعده نثیری از اروپا جان خود را غنیمت شمرده و فرار کرده و وارد فلسطین شدند و نیز از موقعی که موانعی سر راه مهاجرت و افرا گرفت و همچنین از زمانی که لازم شد کشتی هارا کرایه کرده و اسرائیلیها را که مدتها در باز داشتگاهها محبوس بودند بملسطین روانه نمود قسمت عمده درآمد های ماصرف این قبیل مخارج شد - در ژوئن ۱۹۴۵ بیش از سه میلیون و نیم لیره فلسطینی در این راهها مصرف گردید و برای کارهای عمومی و کرایه منازل بیش از ۲۰۰ میلیون خرج شد .

مهاجرت و کار آ موزی و منزل و کلتیزاسیون اساس محکم و لازمی هستند اما فقط اینها رقم بودجه ما را تشکیل نمیدهند .

در ظرف ۲۵ سال پیدایش خود ( قرن هیسود ) تمام اختیار زندگی ملی اسرائیل فلسطین را زیر چنگ خود داشته است مثلا ۲۵ سال قبل نه کارگر و نه صنعتگری وجود داشت ولی امروز ۶۰۰۰۰ نفر بلکه بیشتر وجود دارد - قرن هیسود ۱ میلیون و نیم لیره فلسطینی برای کلتیزاسیون خارج شهریکاربرد تا بر توسعه تجارت و صنعت بیافزاید .

موقعی که ( پینهاس روتنبرگ ) خواست از آبهای بردن برای تهیه انرژی برق استفاده کند قرن هیسود اولین بنگاهای بود که ( یکصد هزار لیره فلسطینی ) چک برای ( شرکت الکتریک فلسطین ) ارسال داشت که این کار مهم را آغاز نماید و اکنون معلوم است که بدون چنین موسسه ای کشور نمیتوانست بپرخد .

هنگامیکه ( نوومیسکی ) در صدد برآمد که از محصولات شیمیایی بحرالیبت بهره برداری نماید مخارج نخستین تحقیقات و سرمایه اولیه ( کبانی فلسطینی بطاس ) را قرن هیسود پرداخت بنگاه نامبرده امروز بزرگترین تهیه کننده بطاس در تمام امپراطوری بریتانیا محسوب میشود ( در سال ۱۹۴۱ ۹۹ درصد برو موروارده انگلستان از بحرالیبت فراهم میآمد )

در سال ۱۹۳۶ که بندرتلاویو ساخته شد ( در عین منازعات با اعراب ) برای اینکه اسرائیلیها بخاطر بندرتلاویو با عربها کج ننگند قرن هیسود وجوه لازمه را برای آبادی بندرتلاویو ( به اتحادیه دریایی فلسطین ) داد و نخستین بندر یهودی جهان را ساخت .

گذشته از آن نباید تصور کرد که قرن هیسود فقط يك بنگاه مالی است همانطور که نمیتوان با اصلاحات اقتصادی و کشاورزی سرتابیای کلتی دگانیا یا سایر کلتیها را توصیف نمود بهمان ترتیب هم نمیتوان با اعداد و ارقام بی بقرن هیسود برد .

قرن هیسود نه تنها يك بنگاه مالی است بلکه موسسه تربیتی هم هست .

بقیه در صفحه ۷۲۴

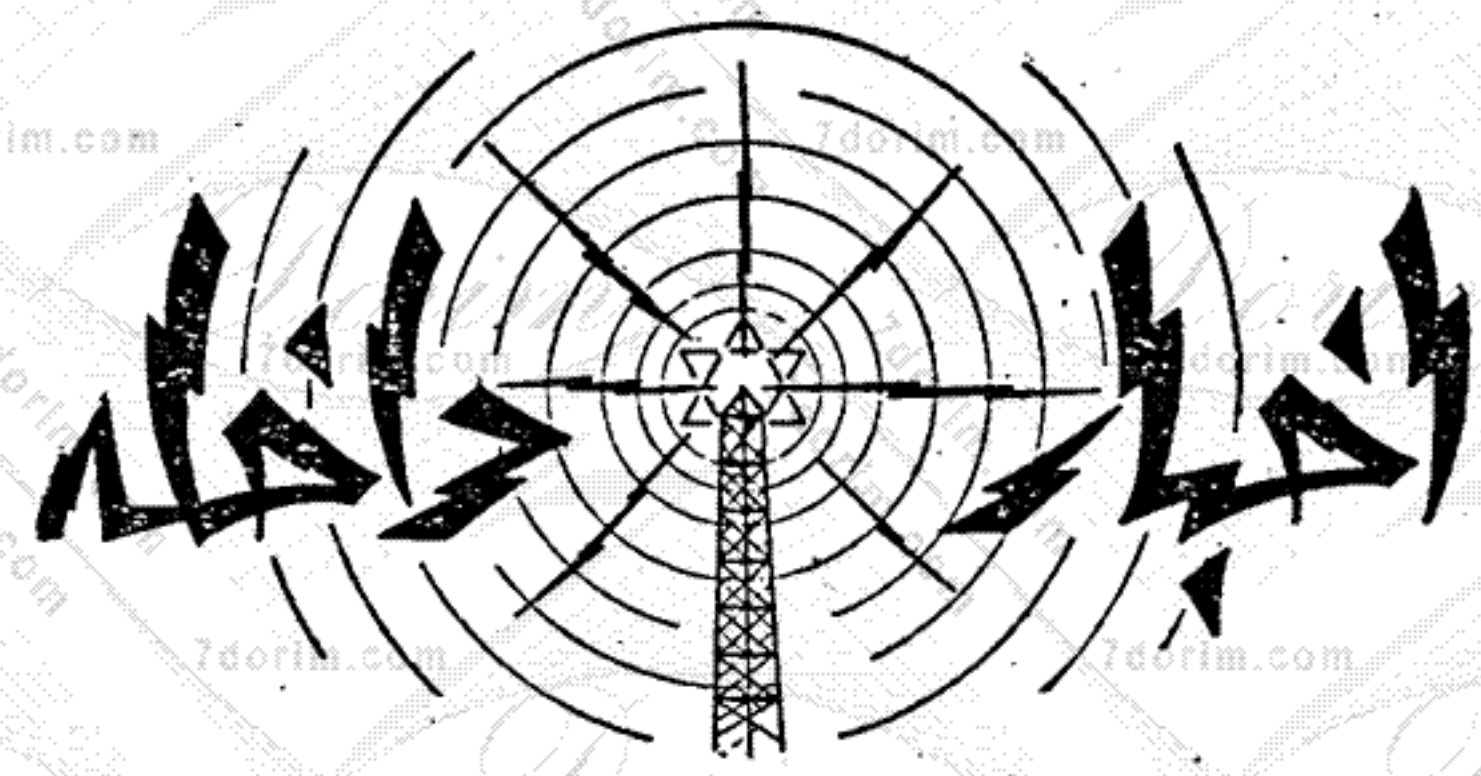
تمام کسانی که دارای هنرهای زیبا هستند و میخواهند معرف احساسات و روحیات جامعه خود باشند ناچار هستند محصول هنر خود را برای انتقاد به نقادان اهل فن و خیره مخصوص بخود عرضه بدارند تا اگر نقیصه ای دارد انتقاد شود هیچ فرد معمولی یا اختصاصی جز انبیاء که کلماتشان از جانب خدا بوده نمیتواند ادعا کند که در هنر خود هیچگونه نقص و ایرادی ندارد این یک نوع استبداد فکری است.

اگر چنین تصویری بنماید، هنرها باید بجامه عرضه شود اگر تخلیلات هنرمند بدون عائق و مانع دردهای مردم را درک کرده و توانسته است آن را بصورت هنر جلوه گر سازد نقادان هرچه کوشش کنند ایرادی نمیکینند و آن هنر مورد پسند عموم است و اگر از قطعه ای انتقادی بشود هنر مند باید از آن انتقاد استفاده کند درجه تشخیص مردم را از آن انتقاد بنمیدودر مرتبه بعد هنر خود را عاری از نقص عرضه بدارد تا محبوب تر گردد. کدام فیلسوف کدام عالم کدام استاد و هنرمند در دنیا میتواند ادعا کند آنچه را او فهمید غیر قابل انتقاد است؟ منتها برای نقاد شرایط مقرر است که باید رعایت گردد در بیان دوزی نباید از هنر خیاط شیک دوز انتقاد نماید و این امر وقتی روشن میشود که موضوع انتقاد گفته و در معرض افکار عموم قرار گیرد اگر خواننده ای غلط بخواند شنونده او را انتقاد کرده باشناید متوجه سازد نباید از او رنجش حاصل نماید

کسیکه دارای شرایط استادی است همیشه مترصد است که انتقاد مردم را بداند تا هنر خود را مطابق سلیقه و ذوق توده ظاهر کند کسی که طاعت و توقع شنیدن انتقاد را ندارد بیخشد اصلا لیاقت آن را ندارد که مورد بحث و انتقاد واقع شود.

نیدانم با تمهید این همه مقدمه توانسته ام موضوع «سبک نی داود» را از عالم تعصبات بوج خارج کرده و در مسیر علم و هنر قرار بدهم یا خیر؟ در ایران ساز زن های یهودی بسیار است ولی مطابق تفریفی که کرویم آنها تکننین هستند فن آنها برای امرار معاش ساز زدن است یک تار خریدم از تکننین دیگری پردهها را شناخته هفت دستگاه ساز و آواز و رنگ ایرانی را بر ترتیب مینوازد سپس او را به پیچامی دعوت میکنند شاید دماغ ساز زدن را هم نداشته باشد ولی حسب الوظيفه در مقابل اجرتی که میگیرد ردیف خود را مینوازد ولی من مرتضی را تکننین نیدانم او دارای سبک و استیل مخصوص بخود است سبک مرتضی در ایران بلکه در شرق میانه معروف است گروهی شفته سبک مرتضی هستند من نوشتم که مرتضی هنر مند کم نظیری است پنجه و مضراب او با روح سر و کار دارد گفتیم هنر مندی که هیچ انتقادی در هنرش نباشد هنوز بدینا نیامده او هم مانند سایرین خاصیت بشری دارد هنرش دارای دو انتقاد است که نوشتم شاید از خود مرتضی بپرسید حقیقت را کتمان نکنند شما از آن مردمانی شده اید که به گفتنشان نیشود گفت کفشک!

مکن است بگویند انتقاد کننده باید صلاحیت فنی داشته باشد من اگر خوب ساز نیز من موسیقی را خوب میدانم و میتوانم خوب تحویل بگیرم و اگر اشتباهی داشته باشد انگشت خود را برای انتقاد بلند کنم و این حقیقت وقتی ثابت میشود که شما موضوع انتقاد من را به کسانی که بنظر شما دارای صلاحیت فنی هستند مراجعه دهید.



### کاروان دو چرخه سواران آل آویو

اخیراً کلوب ورزشی تل آویو هفته ای یک مرتبه کاروانی از دو چرخه سواران اسرائیل برای گردش های ورزشی تشکیل داده است و از قرار اطلاع کاروان دو چرخه سواران نامبرده روز ۵ شنبه ۲۰ تیر جاری بقصد تفریح و ورزش از تهران به میگون حرکت خواهد کرد.

نصب سنگ اول کلاهای جدید البنا دیرستان اتحاد چنانکه ضمن اخبار داخله مندرج در چند شماره قبل اطلاع دادیم آقای باسون میلفی برای ساختمان ۵ کلاس جدید دیرستان اتحاد هدیه فرموده اند و کیسیون مامور ساختمان نامبرده مقدمات کار را فراهم نموده اند. روز ۳ شنبه ۲۵ ر ۱۱ در حضور جمعی مراسم پایه گذاری ساختمان نامبرده بعمل آمد بدو آقای براسور رئیس سابق دیرستان اصفهان از طرف دیرستان از مراسم خیرخواهانه آقای باسون تشکر نمودند و بعد آقای باسون در جواب نطقی نموده و اظهار داشتند من کار فوق العاده ای انجام نداده ام فقط یکی از کوچکترین وظائف انسانیت خود را بجا آورده ام جامعه اسرائیل زنجیر وابسته بهم دیگر میباشند که باید در کلیه امور باهم تشریک مساعی نمایند و الا نباید انتظار ترقی جامعه را داشت سپس آقای باسون سنگ اول بنا را بدست خود نصب نمودند و مجلس باسرود و شادمانی خاتمه یافت.

عالم یهود - زحمات و عملیات خیرخواهانه آقای باسون مورد تقدیر است امیدواریم که سایر هم کیشان و هم میهنان ما هم به این شخص محترم تاسی جسته در امر خیر مخصوصاً اتمام ساختمان زایشگاه بفرخور توانائی خود شرکت نمایند.

من مرتضی را بیش از شما دوست میدارم و او را افتخار عالم یهود فعلی جامعه ایران میدانم باین جهت هر وقت در هنرش عیبی به بینم انتقاد میکنم اگر ننویسم به خودش خواهم گفت مرتضی مال خودش نیست شما مرتضی را بدرجه یک نفر تکننین منزل ندهید او صاحب سبک و استیل است و به ملت ایران تعلق دارد عزیز و گرامی است.

من بسیار خوشوقتم که ابراز احساسات شما باعث شد که من یک مبحث اجتماعی و علمی را در باره هنر باین تفهیل بنویسم باشد که مفید فایده افتد. سرگردان

# تعلقات اخلاقی یهود و اسلام



### خلاصه ای از مقدمه:

«برادر ان دینی مسلمان و همکیشان ما»  
«باید بدانند که قوم یهود و اسلام هر دو از»  
«یک ریشه و نژاد بوده و اصول مذهبی و تعالیم»  
«اخلاقی دینی آنان نیز فرقی بسیاری با»  
«یکدیگر ندارند، و اگر گاهی اختلاف بین»  
«این دو برادر ایجاد گردیده نتیجه سیاست»  
«غرض آلود اشخاص معین و خاصی بوده»  
«است.»  
«ما سعی میکنیم این دو برادر از حسن سلوک و»  
«مزایای برادری یکدیگر برخوردار گردند»  
بقیه از شماره قبل  
ر: خالیری



۷- کسی نمیتواند جزای پدر و مادر را بدهد مگر در دو چیز یکی آنکه پدر بنده باشد و او را بخرد و آزاد کند و یا بر او قرضی باشد ادا سازد، گاه اتفاق میافتد که کسی با پدر و مادر در زندگانی ایشان نیکوکار است و بعد از مرگ قرضشان را نمیدهد و بر ایشان طلب آمرزش نمیکند پس خدا او را عاق پدر و مادر مینویسد و گاه اتفاق میافتد که کسی ذر زندگی عاق آنها است ولی چون بمیرند قرضشانرا ادا میکند و بر ایشان استغفار مینماید پس خدا او را نیکوکار خواهد نوشت، سه چیز است که خداوند در آن استثناء روا نداشته:

اول پس دادن امانت بپدر که باشد خواه نیکوکار و خواه بدکار، دوم وفای بعهده و پیمان خواه با نیکوکار خواه با بد کردار سوم نیکی با پدر و مادر خواه نیکوکار و خواه بد رفتار.

(حضرت محمد باقر ع)  
۸- و وصینا الا انسان بوالديه احساناً حمله امه گرها و وضعته گرها و حمله و فصاله ثلثون شهراً حتی اذا بلغ اشد و بلغ اربعین سنة قال رب اوزعنی ان اشکر نعمتک التی انعمت علی و علی الوالدی و ان اعلم صالحاً تر ضیه و اصلح لی فی ذریتی انی تبت الیک و انی من المسلمین. و انسان را فرمودیم که بپدر و مادرش نیکوئی کند، مادرش او را بزحمت حمل کرده و بزحمت زاییده و سی ماه بزحمت شیر داده تا اینکه برسد بچهل سالگی «که منتهای رشد قوه عقل است» سزاوار است که بگوید خدا یا الهام کن مرا که نعمت ترا که انعام بر من و بر پدر و مادرم کردی شکر کنم و کارهای شایسته بجای آورم که بیسندی آنرا و فرزندان صالح بن عطا فرما همانا که من از گناهانم بسوی تو توبه کردم و من از گردن نهاده گان فرمانم.  
قرآن ۴۶-۱۴

۱۱- جوانی و توبه  
هود: ۱- چون در تنگی شوی (و جمیع این وقایع بر تو

عارض شود) در ایام آخر بسوی یهوه خدای خود برگشته آواز او را خواهی شنید زیرا یهوه خدای تو خدای رحیم است تو را ترک نخواهد کرد و تو را هلاک نخواهد نمود و عهد پدرانیت را که برای ایشان قسم خورده بود فراموش نخواهد کرد (توراة ت ۴-۳۰ و ۳۱).

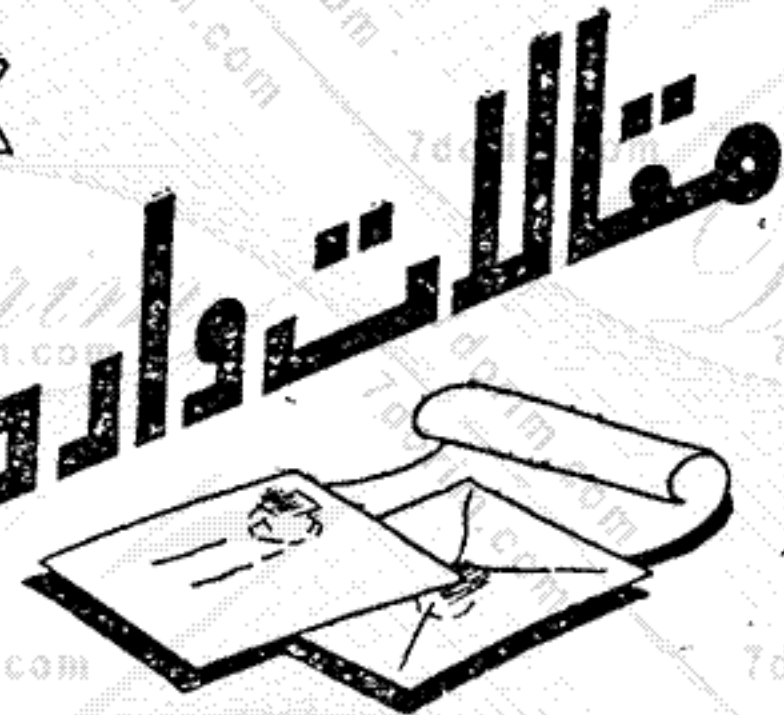
۲- پس اگر دل نامختون ایشان (یعنی خلائقاران) متواضع شود و سزای گناهان خود را بپذیرد آنگاه خود را با یعقوب بیاد خواهم آورد و (توراة ل ۲۶-۴۱ و ۴۲). اسلام:

۱- کسی که از گناه توبه کند چون کسی است که گناه ندارد. کسی که از گناه توبه کند ولی باز مرتکب آن گناه شود چون کسی است که خدای خود را مسخره میکند. گناهی است که بخشیده میشود و گناهی است که بخشیده نمیشود و گناهی است که بآن کیفر دهند. گناهی که بخشیده نمیشود آنست که برای خدا شریک قرار دهی، گناهی که بخشیده میشود کار بدی است که بین خود و خدا کنی و گناهی که بآن کیفر دهند آزار بست که نسبت به برادر خود کنی. (حضرت رسول ع)

۲- آنکس از گناه باز گردد، بسوی پرورد گسار گراید. اگر گاهی از تو صادر شد وقتی از آن رهائی یافتی بشیمان باش. بشیمان گناه را معفو میسازد. شفیع از توبه مفیدتر نیست. از کسیکه نا امید میشود تعجب دارم چرا که وسیله استغفار دارد. بهتر از پوزش و توبه، گناه نسکردن است از آنها میباش که بدون عمل منتظر پاداش آخرتند و بملت آرزوی دور و دراز توبه را به تأخیر می اندازند. دو طبقه اند که در دنیا برای آنها خیر است یکی آنها که گناهکاری را با توبه تدارک کنند دیگر آنها که در کار خیر پیشی میکنند. (حضرت علی ع) (بقیه دارد)

# مگوی آنچه گفته است یکبار کس

## که حلوا چو یکبار خوردند بس



اصولا طبیعت انسانی چیزی را که یکی دو بار بان عادت کرد یا دید و شنید یا خورد و پوشید یا دوست بداد اول مرتبه کاملاً آنرا با حرارت زاید الوصفی منی بسند و در مرتبه

ثانی و ثالث از آن اظهار تنفر و دلسردی مینماید مثلاً خوراک مخصوصی را در زندگی خیلی دوست میدارید و بمذاق شما از همه خوراکیها لذیذتر است ..

اما چون دو سه مرتبه خوردید دیگر آنرا دوست نمیدارید دیدنیها و شنیدنیها و هر چه فکرش کنید پیروی از این اصول ثابت خواهند کرد.

نمایشی را که با بهترین آگهیها و ارکستها تعیین شده باشد در دفعه دوم و سوم فریبندگی و جلب نظر دفعه قبل را نخواهد داشت.

این یکی از خصائل و غرایز طبیعی انسانی است که بدون استثناء همه دارا میباشند و در علم روان شناسی اهمیت خاص دارد، عاشقان نیز بهمین کیفیت گرفتارند آیا دیوانگان عشق را ندیده اید که در اوایل پیش از ازدواج چه شور و شری راه میدهند اشکها میریزند، سرودهای غم انگیز در فراق بار و در وصف دلدار میسرایند دیوانه وار بازار و کوچه ها میگردند.

اما بعد از آنکه بهم رسیدند و مدتها از ازدواج آنها گذشت احساسات آتشین آنها خاموش میشود دیگر آن مهر و علاقه بخصوص آن دوست داشتن و جان نثاری ابتدائی وجود ندارد گاه شده است که کم کم تنفر و انزجاری بین آنها رخ داده و منجر بجدائی گشته است.

اما این بحر طویل و فصولی که برای خوانندگان شرح دادم و این مقدمات و سخن پردازی که کردم بی نتیجه نخواهم گذاشت. انسان باید از آنچه که میگوید نتیجه اخلاقی و مثبت بگیرد.

شنیدنیها هم چنانکه گفته شد از اصول مزبور پیروی میکنند اینهمه مقاله و راهنماییها و یاد آوریها و نصیحت ها که همیشه در مجله عالم یهود این مجله اخلاقی و اجتماعی که بسبک نوین و دلپذیری منتشر میشود بعدی گفته شده و تکرار گشته که دیگر آن خریدار قبلی را ندارد و بقول عوام (گوش شنوائی نیست که بدهکار این حرفها باشد) از بس این سخنان نصایح آمیز و هم گله مندیها و درد دلها باین ملت ۱۵ میلیونی کرده شد علاج و دواى دردمان که نشد بلکه نمکی هم بر روی زخممان پاشیدند پس چرا دیگر گفته شود.

من هر چند فکر کردم که موضوع جامع و مفیدی که بوی یگانگی و وحدت از آن آید بوسیله عالم یهود بخوانندگان عزیز عرض کنم چیزی بخاطرم نرسید زیرامی بینم که از این حقایق بعدی گفته شده که افکار خوانندگان را خسته نموده است و بقول آقای سرگردان (این حقایق از بس گفته شده تکرار آن ملالت آور است)

حال آمدم دختر بچه از این مرحله سلامت گذشت و به سنین بیشتری از عمر (هنده الی یست) قدم گذاشت اگر چه غریزه جنسی شدید تر است ولی دوشیزه مادخر بچه در روزی نیست بهتر بتواند بر خود مسلط شده و اعمال خود را تحت نظم و کنترل قرار دهد ولی هنوز باعلی که معمول فساد محیط میباشند خطر باقیست مخصوصاً اگر فشار خانوادگی خیلی شدید و طاقت فرسا بوده و دختر مجبور شود عنان اختیار را چنان رها کند که خطرش از مرحله قبلی کمتر نباشد زیرا در این سن دختر اغلب خیلی زودرنج گردیده و افکار غم انگیزی دارد مخصوصاً اغلب رفتگی و حزن شدید تبدیلی احساس میکند بیمل نیست کاملاً تنها مانده و گریه کند و زود هم تحت تأثیر قرار میگیرد و در این مرحله میخواهد همه او را دوست بدارند و تمام جوانان عاشق و شیفته او باشند جوان هر قدر از لحاظ وجهه و بینه و رفتار عقب باشد ولی دوشیزه بیمل نیست آن بیچاره شب و روز در سوز و گداز باشد و این وقتی باطنش قلب او تنهد در صورتیکه قلب خودش خالی از طیش و نگرانی نیست در عین حال کم بدام میافتد باصطلاح میخواهد گلی باشد که همه را از عطروزیبائی خود محظوظ سازد بدون اینکه راضی شود کسی بیجهت برای چیدن او دست درازی کند میخواهد از هر کسی تمجید بشنود بقیقه من این روزها برای زناشویی از تمام مراحل مناسبترند ولی باید دانست مقصود ما از این مقاله بحث در مورد ایرانیها میباشد چه در ممالک مختلفه این مراحل دیر تر و یا زودتر بمنصه ظهور میرسند مثلاً

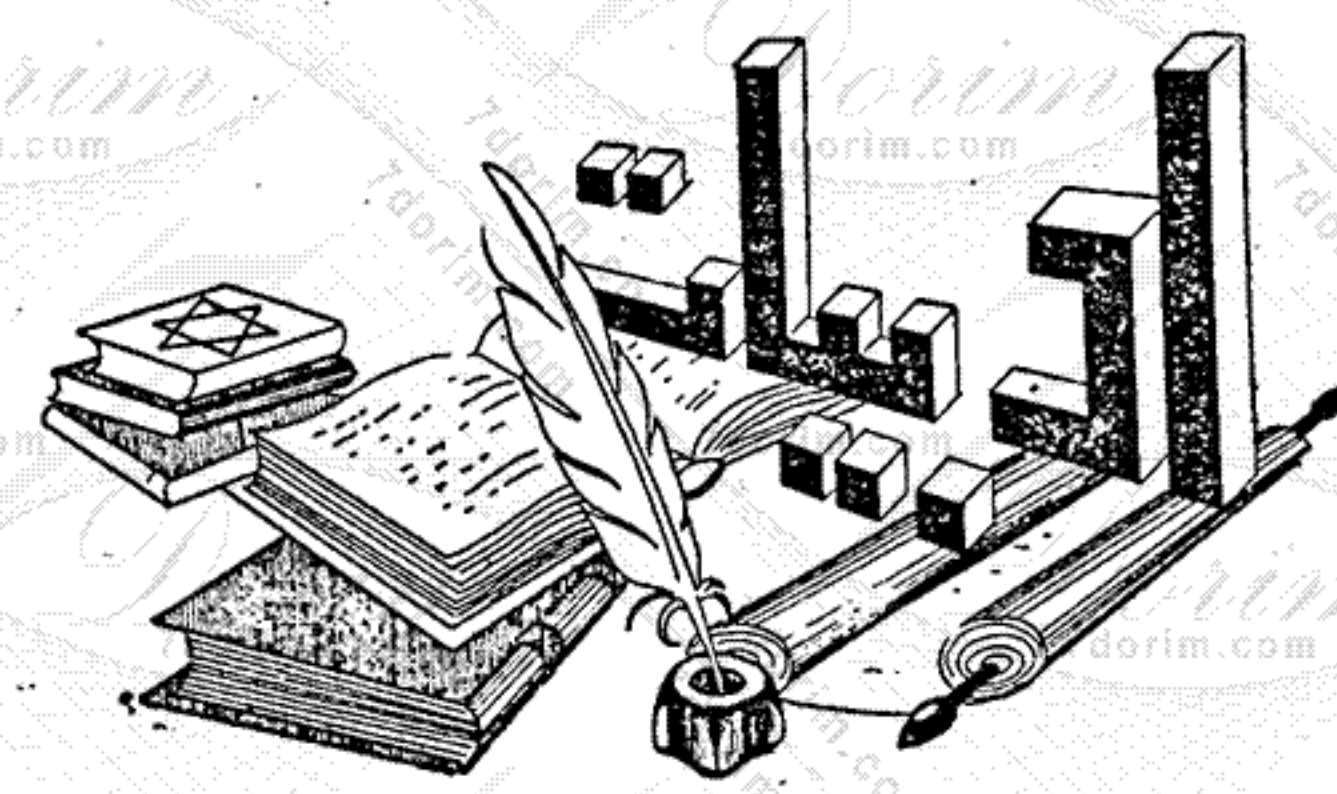
در بین دخترها در چهارده سالگی از هر جهت آماده شوهر کردن میباشند و در همان حال در ۱۶ سالگی بیاوری به ۲۲ سالگی ترقی میکند مرحله نهائی برای دوشیزگان

تمام مراحل گذشتند دوشیزه دیگر تمام افکار و اعمال گذشته را فراموش می کند فقط افکارش يك قطعه منعطف میگردد و آن شوهر کردن و تشکیل خانواده میباشد شب و روز دور محور غائی چرخ میزند و سعی می کند دست و پای خود را جمع نموده و کوچکترین حرکتی دال بر بیعتی از او صادر نشود و هیچگاه دیده نشده است در این مرحله از راه راست منحرف شود مگر اینکه ... چون در سرشت جنس لطیف حس حسد موجود میباشد کمی بد بین گردیده

# میوه رسیده

## بقلم الیاس مظلومی

از فامیل های ایرانی تا دخترشان بچهارده سالگی رسید و شوهر نکرد بکلی خودشان را میبازند و بعدی فعالیت از خود بروز میدهند که حدی برای آن نیست و تمام هم خود را صرف پیدا کردن پسری جوان میکنند بطوریکه اعمال آنها از پرده بیرون میافتد و در هر منزل و قصابخانه و آرایشگاه و حمام و کنیسا صحبت از فعالیت فلان خانواده بر فلان فامیل و تطمیع کردن جوانان بتوسط دلاله ها از قبیل پول و مقام و غیره صحبت میکنند اینست که اولاً دختر زودتر چشم و گوشش باز میشود و ثانیاً در نظر دیگران از قدر و منزلت میافتد و نگارنده عقیده دارد والدین اگر هفت دختر کچل هم توی خانه داشته باشند عزت نفس خود را از دست ندهند. عیب دیگر - فامیل های ما اغلب شرکت دختر را در اجتماعات اخلاقی و معنوی مجوز ندانسته و بتخیال خودشان کار خوبی کرده اند در صورتیکه کاملاً بر عکس است زیرا در مراحل تحصیلی و یا پس از آن حتماً دختر باید در اجتماعاتی که از لحاظ معنوی و اخلاقی مفید شرکت کند زیرا دختر هم از آداب معاشرت بی بهره نیماند و هم برای تشکیل خانواده و فامیل بهتر آماده میگردد و نیز با نشان دادن لیاقت و شخصیت خود



آبرومند تر و بهتر و بدخواه خود میتواند بشویشختی که در نظر دارد نائل گردد ... دوشیزگان با عوامل بدبختی مبارزه کنید قسمت ۴۱ شرح مختصری از مراحل مختلف سنین عمر و ششای برای جلوگیری از بحران آن ایام را خوانندید اکنون مقاله را تحت عنوان بالا ادامه میدهم و سننایمی خواهم کرد تکرار مکررات نکرده و چیزهای تازه بنوسم بقیقه من زیبائی برای دختر در درجه دوم اهمیت و یا درجانی پست تر از آن را حائز است چه زیبائی خشك و -الی و عاری از روح زنده معنی نداشته و دارنده آن همانند عروسك و یا مجسمه مرمری خشك و خالی میباشد که فقط بدر و تیرین و یا مفازة آتیک فروشی میخورد زیرا برای دختر روح منتهای کمال نقصان است • صیون کرمانی (بزمرده) بقیه در صفحه ۷۲۳

است زیرا شب و روز هفت افتادگی خود را در مد نظر قرار میدهند چه متأسفانه در ایران اغلب زنها در سن ۲۴ سالگی ۴ اولاد دارند و این بخودی خود مسئله لاینحلی برای مسالان دوشیزه آنها بگرد و اغلب دخترانی که تا این موقع شوهر نکرده اند خودشان باعث شده اند و یا فامیل های آنها متلاً عدّه زیادی

از فامیل های ایرانی تا دخترشان بچهارده سالگی رسید و شوهر نکرد بکلی خودشان را میبازند و بعدی فعالیت از خود بروز میدهند که حدی برای آن نیست و تمام هم خود را صرف پیدا کردن پسری جوان میکنند بطوریکه اعمال آنها از پرده بیرون میافتد و در هر منزل و قصابخانه و آرایشگاه و حمام و کنیسا صحبت از فعالیت فلان خانواده بر فلان فامیل و تطمیع کردن جوانان بتوسط دلاله ها از قبیل پول و مقام و غیره صحبت میکنند اینست که اولاً دختر زودتر چشم و گوشش باز میشود و ثانیاً در نظر دیگران از قدر و منزلت میافتد و نگارنده عقیده دارد والدین اگر هفت دختر کچل هم توی خانه داشته باشند عزت نفس خود را از دست ندهند. عیب دیگر - فامیل های ما اغلب شرکت دختر را در اجتماعات اخلاقی و معنوی مجوز ندانسته و بتخیال خودشان کار خوبی کرده اند در صورتیکه کاملاً بر عکس است زیرا در مراحل تحصیلی و یا پس از آن حتماً دختر باید در اجتماعاتی که از لحاظ معنوی و اخلاقی مفید شرکت کند زیرا دختر هم از آداب معاشرت بی بهره نیماند و هم برای تشکیل خانواده و فامیل بهتر آماده میگردد و نیز با نشان دادن لیاقت و شخصیت خود

آبرومند تر و بهتر و بدخواه خود میتواند بشویشختی که در نظر دارد نائل گردد ... دوشیزگان با عوامل بدبختی مبارزه کنید قسمت ۴۱ شرح مختصری از مراحل مختلف سنین عمر و ششای برای جلوگیری از بحران آن ایام را خوانندید اکنون مقاله را تحت عنوان بالا ادامه میدهم و سننایمی خواهم کرد تکرار مکررات نکرده و چیزهای تازه بنوسم بقیقه من زیبائی برای دختر در درجه دوم اهمیت و یا درجانی پست تر از آن را حائز است چه زیبائی خشك و -الی و عاری از روح زنده معنی نداشته و دارنده آن همانند عروسك و یا مجسمه مرمری خشك و خالی میباشد که فقط بدر و تیرین و یا مفازة آتیک فروشی میخورد زیرا برای دختر روح منتهای کمال نقصان است • صیون کرمانی (بزمرده) بقیه در صفحه ۷۲۳





# دفاع اعتسراف آمیز (در پاسخ مقاله انتقادیه راجع به روت و ناعمی)

شیخ اجل سمدی شیرازی در خصوص انتقاد دو گفته مشهور دارد. دریک جا مینویسد « متکلم را تا کسی عیب نگیرد سخنش صلاح نپذیرد » و در جای دیگر میفرماید « اگر خوشتن را ملامت کنی ملامت نباید شنیدن زکس »

بدر نظر گرفتن دستور اول دلیل ندارد کسی از انتقاد برنجد بویزه اگر با لحن عیجونی و خرده گیری آمیخته نباشد و این لحن را آقای « امضاء محفوظ » درسازی که برای انتقاد کودک کرده بودند در پرده بهم قرار داده بودند هر چند اگر هم در مایه ششادانک بود من که مدعی اصلاح و طالب کمال هستم نبرنجیدم بلکه با همان ساز میرقصدم .

اما از لحاظ رعایت دستور دوم خود اینجانب پیش از آغاز نایش نواقص آنرا اعتراف نمودم و بمصداق گفته شیخ منتظر شنیدن ملامت نبودم لکن چون اظهارات من سر بسته و اعتراضاتم دست و پا شکسته بود نویسنده محترم آن مقاله را وادار پرورد درجیثیات نمود .

اکثر اشخاصی که نایش نامه های یوسف و زلیخا و استر و مرد خای بنده را دیده بودند مثل خود بنده انتظار نداشتند که این داستان بقول مخبر روزنامه اسرائیل بصورتی چنین « خشک » درآید اما نکاتی چند را از نظر معو میسازند :

اول آنکه نایش نامه های پیشین هر کدام چند دفعه مراحل آزمایشی خود را روی صحنه طی کرده و بمرور زمان رو به کمال رفته اند و حال آنکه این نخستین مرتبه ای بود که یس نویسی نگاهی بدین گوشه از تاریخ اسرائیل میکرد و درجاده تکویده این بادیه قدم میگذاشت .

دوم آنکه در تالیف نایش نامه های تاریخی نویسنده تا اندازه ای محدود و مقید بهمان حوادث تاریخی میگردد و جز بعضی شاخ و برگها که برای ارتباط دادن مطالب بکار میرسد حق ندارد چیزی بمطالب اصلی بیفزاید یا از آن بکاهد بویزه در قسمت صحیبتها و حیلها ها که در این مورد باید حتی الامکان نزدیک ببتن کتاب مقدس باشد . آری آنجا که نایش در محیط تصور و افسانه طواف میکند نویسنده را مجال خوبی برای راندن اسبهای متنوع در میدان توهم فراهم است .

سوم آنکه هر واقعه تاریخی یک کیفیت بخصوصی دارد و نباید انتظار داشت که همه دارای جنبه های مضحک یا غم انگیز یا بهت آور و امثال آن باشند . شما بیک نفر خیاط قابل ممکن است فاستونی اعلا یا جنس پست یا پارچه کرباسی بدهید و از او نیم تنه و شلوار بخواهید . خیاط کوشش و هوش همیشگی خود را در سر هم این پارچه های کسان بکار میرسد ولی بواسطه فرق جنس هر لباسی یک شکل بخصوص در میاید همچنین است سر نوشت نویسنده ای که مقید است یک قضیه تاریخی مخصوص را بشکل درام در آورده .

داستان روت و ناعمی یک یا دو قسمت جالب توجه بیشتر ندارد و آن در پرده اول جایی است که روت مادر شوهر پیر خود را با نداشتن هیچگونه طعم جسمانی ترک نمیکند و ناعمی هم سرگذشت غم انگیز خود را بطرز دلخراشی یاد آور میشود و همین جا است که بقراری که شنیدم در شب اول نایش چند نفر زن یادش نویسنده را با گوهری اشک خود داده اند . اما در پرده دوم هم فقط یک گوشه شیرین دارد و آن گوشه

چینی روت در صحرای جو و آزادی وی در میان کارگران صحرائی است . دیگر متأسفانه هر چه داستان جلوتر میرود از لطف آن کاسته میشود و فقط در قسمت آخر است که ازدواج روت با بوعز نتیجه قطعی داستان را نشان میدهد .

پس با این محدودیت داستان نویسنده چه میتواند بکند جز اینکه پرده دوم را افلا بصورت ابرت در آورده بدهان دروگر بگذارند که « خوشا مردی که از این کنیز خوشه چین خوشه ای بچیند » و از اینگونه شاخ و برگهای شاعرانه . . . . .

من خیلی آرزو دارم یک یس نویس ماهر و متخصص همین داستان روت و ناعمی را روی صحنه بگذارند تا من به بینم او چه میکند که نایش از حالت خشکی درآید و از او یاد بگیرم و شکی نیست که متخصصین چندین بار بهتر خواهند نوشت ( شنیدم در امریکانوشتن یک داستان کوچک عاشقانه را بسابقه گذاشتند و کسیکه همین قضیه روت را اقتباس کرده نوشته بود جایزه را برد ) .

چهارم آنکه اگر انتقاد کنندگان اطلاعات فنی از نایش دارند باید بدانند که در هر مورد که نایش دادن وقایع بخصوص غیر ممکن یا دشوار یا غیر مقرون بصلاح باشد آن وقایع را در اصطلاح نایش « بحرف برگذار می کنند » تا افلا مردم از چگونگی امر بی سابقه نباشند .

در این مورد هم فرار از قحطی بت لحم و رفتن خانواده الیلک بزمین مو آب و فوت او با دو پسرش بحرف برگذار شده و گرنه لازم میاید چگونگی قحطی و مسافرت بیو آب و زندقی دم ساله هر کدام نایش داده شود و دوسه پرده کوچک و بی موضوع دیگر بنایش افزوده گردد آنهم در هوای گرم سالی که معایب فنی آرا مخبر روزنامه اسرائیل کومی ابواب جمع این جانب میخواست بکند و هکذا اگر ما میخواستیم فصل سوم کتاب روت را که چگونگی خوابیدن روت در پائین پای بوعز و صحبت نصفه شب آن دو نفر با هم در صحرا در آن تشریح شده عملا نایش دهیم آیا مردم کوتاه نظر و عیجونی امروز که از بی آلابی و خدا ترسی مردم دیروز و پریروزی بی خبرند چه نتیجه ای از آن میگردند؟!

پس اینجام ناگزیر از حذف واقعه و برگذار کردن آن بحرف شده ایم . خیر ، آقای نویسنده گرام برای اصلاح معایب این نایش نامه یا باید سرکار با من همکاری نائید تا دوباره آنرا تنظیم کنیم یا تأمل فرمائید تا اگر مردم شوق و ذوق حسابی برای دیدن و فهمیدن نایش های تاریخی پیدا کردند و پیش پرده های سست و جلف را بر مطالب جدی و اخلاقی ترجیح ندادند بیاری خداوند برفع نواقص آن در آینده مبادرت شود . ضمناً خواهش دارم نوك قلم انتقادی خود را بسوی آتانی که میتواند یک دسته متحد هنریشگی و یک هیئت موسیقی حسابی تشکیل دهند و « بجهاتی » نیدهند که نائید تا نویسنده نایش نامه مجبور نشود در آن واحد هم رزسور هم هنریشه هم رافتمای ارکستر وهم مدیر نایش باشد و وقت بیشتری برای رعایت نکات مقاله سرکار داشته باشد .

در خاتمه با این نظر که بعلما میاید که بعضی نظریه ها باید عاری از قیود ستمی باشند موافق نیستیم و حاضریم دلایل آنرا در خارج خدمتتان شرح دهیم .

کاربرگه مجله‌ها

# عالم یهود

عنوان:

صاحب امتیاز و مدیر: یونس باستانی، حبیب الله لاوی

مدیر: موسی کرمانیان

سر دبیر: حبیب الله لاوی

محل انتشار: تهران: بنگاه مطبوعاتی عالم یهود

سال تأسیس: ۱۳۲۴ -

زبان: فارسی

موضوع: یهودیان، یهودیان - ایران، صهیونیسم، یهودیت، یهودیان - اسرائیل

موجودی:

۱۳۲۴ (سال اول) (۳۰-۲۹) و

۱۳۲۵ (سال دوم) (۳۰-۴۳): ۱۰۲۷/د

۱۳۳۳ (سال سوم) (۱-۱۶) و

۱۳۳۴ (سال چهارم) (۱۷-۴۰): ۱۰۲۸/د

شماره راهنما: DS 101 .A4

تاریخ اسکن: ۱۳۹۰/۱۰/۱۴